
بیعتی دوباره با امام زمان
از سری منشورات مجله امان

بسم الله الرحمن الرحیم

نهم ربیع بیعتی دوباره با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

نویسنده:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله فرجه الشریف

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نهم ربیع بیعتی دوباره با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

مشخصات کتاب

عنوان قراردادی:امان (مجله)

(Aman (Magazine

عنوان و نام پدیدآور:نهم ربیع بیعتی دوباره با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف/ تهیه کننده دفتر مجله امان.

مشخصات نشر:قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری:۹۶ ص.؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س م.

شابک:۴۰۰۰۰ریال۴-۷۷-۷۱۲۰-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی:فیپا

موضوع:مهدویت

موضوع:محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

موضوع:حسن بن علی (ع)، امام یازدهم، ۲۳۲ - ۲۶۰ق.

موضوع:Mahdism

رده بندی کنگره:BP۲۲۴/ن۹۴ ۱۳۹۵

رده بندی دیویی:۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۹۲۰۹۰

ص:۱

اشاره

از سری منشورات مجله امان

نهم ربیع

بیعتی دوباره با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

...

نهم ربیع بیعتی دوباره با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

تهیه کننده:دفتر مجله امان

ناشر:انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

طراح جلد و صفحه آرا: مسعود سلیمانی

نوبت چاپ: اول/پاییز ۱۳۹۵

شابک: ۴-۷۷-۷۱۲۰-۶۰۰-۹۷۸

شمارگان: هزار نسخه

قیمت: ۴۰۰۰تومان

قم: خیابان شهدا/ کوچه آمار(۲۲)/ بن بست شهید علیان/ پ: ۲۶/تلفن/۱-۳۷۸۴۱۱۳۰-۰۲۵/ نمابر: ۳۷۷۴۴۲۷۳-۰۲۵

تهران: خیابان انقلاب/خیابان قدس/خیابان ایتالیا/پ:۹۸/ تلفن: ۸۸۹۹۸۶۰۰-۰۲۱/ نمابر: ۸۹۷۷۴۳۸۱-۰۲۱

www.mahdaviat.ir

info@mahdaviat.ir

Entesharatbonyad@chmail.ir

فهرست مطالب

مقدمه

مهـدویت، از یـک نگاه تنها به مجموعه محـدودی از معارف مربوط به امام زمان می شود که غالباً نیز در نزد مردم، تحت تأثیر جریان ظهور و علائم و نشانه های آن است. اما با بررسـی دقیق تر و جامع تر مجموعه گزاره هایی که در متون اسـلامی درباره آن وجود دارد می توان نگـاه وسـیعتری را به مقوله مهـدویت لحـاظ نمود. از این منظر مهـدویت، مجموعه معارف حول محور امام مهدی است که با خود فرهنگ خاصی را نیز به همراه دارد.

در نگـاه دوم، همه موضوعـات اسـلامی و مسائـل فردی و اجتمـاعی به حوزه مهـدویت وارد می شونـد با این فرق که همه آنها تحت نظام خاصـی که محور آن حضـرت مهـدی است سامانـدهی و اولویت بنـدی شده، و به همین جهت هم از نظر جایگاه و هم از نظر معرفی، باز تعریف خواهند شد. مضافاً بر آنکه هر یک از آنها از کارکردهای ویژه ای بهره مند می شوند که در غیر نظام مهدوی چنین کارکردی یا مترتب نمیشود و یا اندک خواهد بود.

مـا معتقـدیم که نگـاه کامـل به مهـدویت همین نگـاه دوم است چرا که در تفکر قرآنی شـیعه، امامت کامل کننـده دین و تمام کننده نعمت دین است و به فرموده حضرت امام رضا در حدیث بلند و مشهور معرفی امام در کتاب شریف کافی: «امامت زمام دین و مایه نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزت مؤمنین است. همانا امامت ریشه با نمو اسلام و شاخه بلند آن است».

بر همین اساس نشـریه دو ماهنامه امان- که وابسته به بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و تحت اشـراف حجت الاسـلام و المسـلمین قرائتی و برخی دیگر از فضـلا و فعالاـن بنـام فرهنگی کشور است- از سال ۱۳۸۵ اقدام به انتشار فرهنگ و معارف مهدوی در بین دوستداران و منتظران امام زمان در سطح کشور

نموده است.

از آنجا که پس از گذشت بیش از یک دهه از فعالیت این نشریه و درج موضوعات متنوع در آن؛ از طرفی تمایل زیادی از خوانندگان و محققان معارف مهدوی در باره موضوعات خاص زیاد شده و از سویی دیگر تمام این نشریه در اختیار آنها قرار ندارد، دفتر نشریه اقدام به تدوین مجموعه ای از موضوعات مهدوی و پرطرفدار نشریه نموده و در اختیار مشتاقان به معارف مهدوی قرار داده است.

دفتری که در پیش روی شماست یکی دیگر از جمله این موضوعات با نام: «نهم ربیع؛ بیعتی دوباره با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف» است که به شما گرامیان تقدیم می شود؛ به امید آنکه مقبول پیشگاه خداوند متعال و خلیفه او در زمین، حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف واقع گردد.

برخود لازم می دانم از همه بزرگوارانی که در تهیه این اثر زحمت کشیده اند مخصوصاً حجج اسلام محمدصابر جعفری، محمدرضا فوادیان و برادر عزیز جناب آقای احمد مسعودیان تشکر نمایم.

حسن ملایی

سردبیر نشریه امان

بخش اول. مقالات

اشاره

بیعت شناسی

بیعت شناسی (۱)

یکی از کارهای ویژه روز نهم ربیع الاول، بیعت کردن با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. واژه «بیعت» واژه ای عربی است از ریشه «بیع» به معنای خرید و فروش؛ اما بیعت کردن به معنای این است که دو طرف خرید و فروش، به نشانه تمام شدن معامله و تسلیم، کف دست راست خود را بر هم می زنند.

وقتی شخصی با کسی بیعت می کند، به این وسیله، فرمانبرداری خود از آن شخص و سرسپردگی در برابر امر و سلطه او را نشان می دهد؛ همچنین حاضر می شود تا پای فدا کردن جان و مال و فرزند، در راه اطاعتِ او بایستد.

قرائن نشان می دهد که بیعت از نوآوری های مسلمانان نیست؛ بلکه سنتی بوده که پیش از اسلام هم در میان عرب رواج داشت؛ به همین دلیل در آغاز اسلام - که طایفه «اوس و خزرج» در ایام حج از مدینه به مکه آمدند و با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در عقبه بیعت کردند - برخورد آنها با مسئله بیعت، آشنا بود؛ بعد از آن نیز پیغمبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در فرصت های مختلف با مسلمانان تجدید بیعت کرد؛ اما مگر اطاعت از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام که از سوی خداوند

۱- خدامراد سلیمیان.

منصوب می شوند نیازمند بیعت گرفتن است که چنین امری متداول و عادی بوده است؟ جواب منفی است؛ یعنی اطاعت کردن نیازمند بیعت گرفتن نیست؛ بلکه واجب است همه مسلمانان فرمان های امام و پیشوای برگزیده خدا را بی چون و چرا اجرا کنند و حتی اگر بیعت هم نکرده باشند موظفند که مطیع باشند.

خب اگر چنین است، پس چرا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از یاران خویش بیعت گرفت؟

پاسخ این است که: این بیعت ها یک نوع تأکید بر وفاداری بوده که در مواقع خاصی صورت می گرفته است؛ به خصوص برای مقابله با بحران ها و حوادث سخت از آن استفاده می شد تا در سایه آن، روح تازه ای در کالبد افراد دمیده شود.

البته همین امر در هنگامه ظهور، در بیعت با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم خواهد بود، که جنبه تأکید بر وفاداری دارد. یکی از کارهای نخست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در هنگام ظهور، بیعت گرفتن از یاران است. جالب است بدانیم که این بیعت در مسجدالحرام و بین رکن و مقام صورت می گیرد. همچنین در روایات فراوانی نقل شده که اولین بیعت کننده با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، جبرئیل، فرشته مقرب الهی است؛ چنانکه امام باقر علیه السلام در ضمن روایتی می فرماید: «... پس نخستین کسی که با او بیعت کند، جبرئیل است؛ سپس آن ۳۱۳ نفر [بیعت می کنند]...».

اما آنچه از بیعت به ذهن می رسد آن است که باید امامی در جمع حاضر باشد تا ما بتوانیم با ایشان بیعت کنیم؛ ولی در این شرایطی که امام از نظرها غایب است، چطور بیعت معنا پیدا می کند؟ اگر در معنای بیعت دقت کنیم، در می یابیم که همین حالا هم بیعت با امام زمان معنا دارد؛ مگر نه این است که در بیعت باید بر وفاداری با شخص بیعت شونده تأکید کنیم و این پیام را به او بدهیم که مطیع امر شما هستیم و سعی می کنیم رضایت شما را تأمین کنیم؟ همه این موارد در این زمانه غیبت هم عملی است.

می توانیم بیعت کنیم که یکی از کارهای زشتمان را ترک کنیم و یا یک کار

مثبتی را انجام دهیم و به همین شکل می توانیم درباره هزاران کار دیگر با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت کنیم که در جهت آنها تلاش کنیم؛ پس بیاییم یکبار دیگر با امام زمانمان تجدید بیعت و اظهار وفاداری کنیم، باشد که از یاران واقعی ایشان باشیم و چه خوب است که این بیعت را همه ساله در روز نهم ربیع تجدید و این امر را به سنتی مستمر تبدیل کنیم.

عهد محبت، بیعت و اطاعت

عهد محبت، بیعت و اطاعت (۱)

یوم اللّه نهم ربیع الاول، سالروز آغاز امامت قائم آل محمد، خاتم الاوصیاء، بقیت اللّه الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف و روز تجدید میثاق با آن امام هُمام و اهداف و آرمان های بلند اوست. (۲)

روزی که در امتداد غدیر و بلکه خود غدیری دیگر است. (۳)

شایسته است عاشقان مهدوی و منتظران منجی بشریت، در هر کجا هستند به ویژه در کشورهای اسلامی و بالاخص در این مرز و بوم که شیعه خانه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، با مراسمی ویژه به پاسداشت این روز بزرگ و عیداللّه الاکبر همت گمارند.

باید در این روز با امام زمانِ خود، تجدید پیمان کرده و بر مفاد عهد و میثاق خود - که به آن ها در روایات و دعاها به ویژه دعای عهد اشاره شده - مروری

۱- استاد سید مسعود پورسید آقایی.

۲- هم چنان که جماعتی از ایرانیان (از قم و جبال) نخستین گروهی بودند که پس از شهادت امام عسکری علیه السلام در جستجوی امام زمان خود بر آمده و به محضرش بار یافتند و بدینسان بیعت خود را اعلام نمودند. (کمال الدین، باب ۴۳، ص ۴۷۶، ح ۲۶) و نیز پس از پیدایش خوارج، شیعیان علی علیه السلام با آن حضرت بیعتی دوباره کردند.(تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۲۶).

۳- بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۳۵۴.

دوباره داشته باشیم و به بازشناسی و بازخوانی حقوق و تعهداتی که نسبت به آن امام نور و گنجینه عهد الهی و امید همهِ مستضعفان عالم بر عهده داریم، بپردازیم که؛

همانا عهد در نزد خداوند، پذیرش ولایت امیرالمؤ منین علیه السلام و امامان بعد از اوست. (۱)

روایتی دیگر چنین می فرماید:

ما همان پیمان و عهد خداییم، هر کس به عهد ما وفا کند، به عهد الهی وفا کرده است و هر کس با ما پیمان بشکند، با خداوند پیمان شکسته است. (۲)

در این جا به برخی عهدها و پیمان های خود نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف همچنین به زمینه ها و ریشه های آن (معرفت و محبت) و جایگاه و پی آمدهای آن (تبعیت و اطاعت) اشاره ای کوتاه خواهیم داشت و به ترتیب از معرفت، محبت، ولایت، عهد و اطاعت، گفت وگو خواهیم کرد، شاید بتوانیم با استعانت از ذات ربوبی (۳) به انجام آن ها موفق شویم.

۱. معرفت امام

شناخت امام، درک اضطرار به او و آگاهی به حق ولایت اوست؛ «عارفاً بحقه»؛ (۴) زیرا امام از ما به ما و مصالحمان آگاه تر و نسبت به ما از خودِ ما مهربان تر است؛ چرا که آگاهی او شهودی و وجودی است و محبت او غریزی و

۱- تفسیر نورالثقلین ، ج ۳، ص ۳۶۲.
۲- کافی، ج ۱، ص ۲۲۱.
۳- « و اعنّا علی تأ دیه حقوقه الیه»؛(مفاتیح الجنان، دعای ندبه).
۴- وسائل الشیعه، ج ۱۰، صص ۲۹۳ و ۲۹۴ و ۳۱۸ و ۳۱۹.

محدود نیست، بلکه ربوبی و محیط است. امام از همه کشش های نفسانی آزاد است. او به راه های آسمان آگاه تر ازراه های زمین است. تلفیق این آگاهی و آزادی می شود عصمت و همین زیربنا و رمز پذیرش ولایت و سرپرستی آن ها و تسلیم در برابر آن هاست.

مردم به سه تکلیف مکلفند: معرفت امامان، تسلیم در برابر ایشان و واگذاری امور به ایشان در اموری که اختلاف پیش می آید. (۱)

ناآگاهی از حق ولایت امام و جهل در تشخیص و مصداق این چنین امامی آثار زیانباری همچون چشم پوشی از همه دستاوردهای وحی، مرگ جاهلی، گمراهی و هلاکت و... را در پی دارد:

کسی که در چهار چیز شک کند، به همهِ آن چه که خداوند آن را نازل فرموده کافر شده است؛ یکی از آن ها شناختن امام در هر عصر و زمان است که شخص امام را با صفاتی که داراست، بشناسد. (۲)

کسی که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است. (۳)

بارالها! حجت خود را به من بشناسان وگرنه از دین خود گمراه خواهم شد. (۴)

سلام بر تو ای راه خدا! که هر کس غیر آن را رود، هلاک می شود. (۵)

کسانی که اضطرار به ولی را این گونه احساس کرده اند، می توانند به محبت و ولایت و اطاعت امام برسند و از تقدم و تأ خّر نجات یابند، که: «المتقدم لهم

۱- وسائل الشیعه ` ، ج ۱۸، ص ۴۵. به نقل از امام باقر علیه السلام.

۲- بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۳۵.

۳- همان، ج ۲۳، ص ۳۰۰.

۴- همان، ج ۵۲، ص ۱۴۶.

۵- مفاتیح الجنان، دعای حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف و این یعنی امام نه یک راه که تنها راه است.

مـارق والمتأ خر عنهم زاهق» (۱)، «فمعکم معکم لا‌مع غیرکم» (۲) و از جـان و مـال خـود در راه این حق عظیم و پیمـان الهی بگذرند و هستی خود را فدای امام کنند: «الذین بذلوا مهجهم دون الحسین علیه السلام». (۳)

۲. محبت

محبت، ادامه معرفت است. (۴) بـا درک اضـطرار به امام و آگاهی از حق ولایت او، محبت امام در دل می نشـیند و عشق به او که عشق به همه خوبی ها و زیبایی هاست در قلب آدمی ریشه می گستراند. بدون این معرفت، عشق را دوامی نیست.

آن چه که می تواند بر این محبت بیفزاید، درک این نکته است که این محبت یک طرفه نیست، بلکه دو سویه و طرفینی است. این گونه نیست که فقـط من امـام را دوست داشـته بـاشم، بلکه او هم به من محبت دارد و حـتی از من به من مهربـان تر است؛ چون همـان طور که اشـاره شـد، علاـقه من به خودم غریزی است، ولی علاـقه امـام به من غریزی و محـدود نیست که ربوبی و محیط است و بر اساس سـعه وجودی او و برخاسـته از معرفت شهودی و وجودی اوست. همین است که امام صادق علیه السلام می فرماید: به خدا سوگند! که من نسبت به شما از خود شما مهربان ترم. (۵)

آن ها در شادی ما شاد و در اندوه ما اندوهناکند. (۶)

۱- مصباح المتهجد، ص ۳۶۱.

۲- مفاتیح الجنان ، زیارت جامعه.

۳- همان ، زیارت عاشورا.

۴- «الحبُّ فرع المعرفه»؛(مستدرک الوسائل ، ج ۱۲، ص ۱۶۸).

۵- بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۷۸.

۶- همان، ج ۵۳، ص ۳۰۲.

سید بن طاووس نقل می کند: سحرگاهی در سرداب مقدس بودم، ناگاه صدای مولایم را شنیدم که برای شیعیان خود چنین دعا می کرد:

بارالها! شیعیان ما از شعاع نور ما و باقی ماندهِ سرشت ما خلق شده اند. آن ها گناهان زیادی با اتّکای بر محبّت به ما و ولایت ما انجام داده اند. اگر گناهان آن ها گناهی است که در ارتباط با توست، از آن ها بگذر که ما راضی شدیم و آن چه از گناهان آن ها در ارتباط با خودشان هست، خودت بین آن ها را اصلاح کن و از خمسی که حقّ ماست به آن ها بده تا راضی شوند و آن ها را داخل بهشت بگردان و از آتش جهنّم نجات بده و با دشمنان ما در غضب خود جمع مفرما. (۱)

باری! بارقه چنین عشقی است که انسان را به طلب و دعا و اُنس و نجوای با امام می خواند و به تولّی و تبرّی می کشاند و او را وا می دارد که داعی باشد و دیگران را به امام دعوت کند و در این راه استقامت داشته و از هیچ نهراسد.

۳. ولایت

با معرفت و محبت امام به ولایت و سرپرستی او می رسیم. ولایت نه به معنای محبت که به معنای سرپرستی و تولیت در امور و امامت و پیشوایی است، یعنی سرپرستی و حاکمیت امام بر فرد و جامعه؛ بر فکر و احساس و عمل فرد و خانه و مدرسه و جای جای زندگی و متن جامعه.

این ولایت است که رکن رکین، اساس دین، کلید و گشایش گر و راهنمای همه ابعاد دین است و آن قدر که به آن، دعوت و سفارش شده به هیچ یک از دیگر ابعاد و ارکان دین دعوت نشده است. (۲)

این ولایت است که اگر کسی تمام شب ها به نماز بایستد، همه روزها روزه

۱- نجم الثاقب، ص ۴۵۵.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸.

باشد، همه اموالش را صدقه بدهد و همه عمر حج بگزارد، اما ولیّ زمان خود را نشناسد و اعمالش را به سرپرستی و ولایت او انجام ندهد، از اعمالش هیچ بهره ای نمی برد و از اهل ایمان نخواهد بود. (۱)

باید تنها ولایت و سرپرستی او را پذیرفت و از او خط گرفت:

ای مولای من! راضی و خوشنودم به پیشوایی و هدایت و سرپرستی و راهبری تو و به جای تو احدی را نمی خواهم و جز تو کسی را ولی و سرپرست خود نخواهم گرفت. (۲)

البته این معنای از ولایت، نه نفی و مسخ انسان است و نه با هویت و انسانیت او در تعارض که با انتخاب انسان همراه است، زیرا به آگاهی بیش تر و به رحمت واسع حق و محبت و عنایت او دست یافته است. به راستی کسانی که هوس ها و رؤِ یاهای خود را حاکم کرده اند و از پشتوانه های معرفت و محبت برخوردار نیستند و یا در کوره بلا و امتحان آبدیده نشده اند، تحمل ولایت و حاکمیت امام را ندارند.

۴. عهد

معرفت امام و محبت و ولایت او، زمینه ساز عهد و پیمان و بیعت با امام می شود، زیرا عشق و ولایت بدون عهده داری و مسئولیت پذیری، هوسی بیش نیست؛ که«عشق آسان نمود اول، ولی افتاد مشکل ها».

عهد، التزام خاص و نوعی تعهدپذیری در مقابل شخص یا کاری است. (۳) باید خود را به وظایفی که نسبت به امام داریم، ملتزم سازیم و با او برای انجام خواسته ها و آرمان هایش عهد ببندیم (عهداً) و آن عهد را با اسباب و وسایلی

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۴.

۲- مفاتیح الجنان ، زیارت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۳- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. ج ۸ ص ۲۴۶، ذیل ماده عهد.

محکم کنیم (عقداً) و در نهایت با او بیعت کرده و دست در دست او نهاده و دل و سر به او بسپاریم (بیعه). (۱)

عهـد و عقـد و بیعت سه مرتبه از یک حقیقتند که در شدت و ضـعف با یکدیگر تفاوت دارند. باید با بازخوانی و تجدید عهد در هر پگاه و بیعتی تا همیشه، هم اراده و انگیزه خود را قوی کرد و افزایش داد و هم از غفلت ها و سـستی ها جدا شد و فاصله گرفت.

پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم و امیرمؤ منان علیه السـلام در بحران ها و مواقع حساس با یاران خود تجدیـد عهـد کرده و از آنان بیعتی دوباره می گرفتند، امام مهدی علیه السـلام نیز در عصـر ظهور به خاطر شـرایط سـختی که یارانش پیش رو دارند از آن ها چنین بیعت می گیرد:

...مسلمانی را دشـنام ندهنـد،... حریمی را هتک نکننـد، به خانه ای هجوم نبرند، کسـی را به ناحق نزنند، طلا و نقره و گندم و جو انباشت نکنند، مال یتیمان را نخورند،... لباس خز و حریر(لباس های فاخر و اشـرافی) نپوشند،... در زندگی به اندک بسنده کنند،... امر به معروف و نهی از منکر کنند و در راه خدا به شایستگی جهاد نمایند. (۲)

گفتنی است، کسانی می تواننـد در عصـر ظهور به این عهـدها عمل کننـد که در عصـر غیبت به عهـد و پیمان های خود با امام عجل الله تعالی فرجه الشـریف - این گنجینه عهـد الهی و خزانه و جایگاه پیمانی که خداونـد بر عهـدهِ بنـدگانش نهاده است - عمل کرده باشند. اهمیّت این پیمان ها در عصر غیبت تا آن جا است که در روایتی از حضرت سجّاد علیه السلام، همانا تنها راه نجات از فتنه ها شمرده شده است:

ای اباخالـد! فتنه هایی چون شب تار فرا خواهد رسـید. تنها کسانی از آن فتنه ها نجات خواهند یافت که خداوند از آنان پیمان گرفته باشد. آنان چراغ های هدایت و

۱- مفاتیح الجنان، دعای عهد.

۲- منتخب الاثر، ص ۵۸۱.

چشمه های علم هستند و خداوند آن ها را از هر فتنه تاریکی نجات خواهد داد. (۱)

عهدنامه

افزایش و تحکیم معرفت و محبت بیش تر و عمیق تر نسبت به امام علیه السلام:

«اعرف امامک، فانّک اذا عرفت لم یضرّک تقدم هذا الامر او تأ خّر». (۲)

بازکاوی و شناسایی وظایف و تکالیف خود نسبت به حضرت و عهد و پیمان بر انجام آن ها.

یاد حضرت و حضور در مجالس و مکان های منتسب به آن حضرت و توسل به او.

دعا برای فرج حضرت:«اکثروا الدعاء بتعجیل الفرج فان ذلک فرجکم». (۳)

و چون عذاب بر بنی اسرائیل شدّت گرفت و طولانی شد، آنان چهل روز، ضجّه زدند و ناله کردند. اشک ها ریختند و به درگاه خدا تضرّع کردند، تا آن که خداوند، موسی و هارون را برای خلاصی و نجات آنان فرستاد و آنان را از چنگال فرعون رهانید. این، در حالی بود که خداوند، به مدّت صد و هفتاد سال، به آنان تخفیف داده بود. اگر شما هم این گونه به درگاه خدا ضجّه و ناله کنید و همانند آنان در این امر جدی و کوشا باشید، هر آینه خداوند، برای ما، فرج و گشایش خواهد داد و اگر این گونه نباشید، همانا، (امر) و مسأله فرج و حکومت آل محمّد صلی الله علیه و آله و سلم، به سر حدّ نهایت خود، به تأ خیر خواهد افتاد، تا آن جا که خداوند مصلحت بداند و مشیّت او تعلّق گیرد. (۴)

۱- منتخب الاثر، ص ۳۸۶.

۲- کافی، ج ۱، ص ۳۷۱.

۳- احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۶۹.

۴- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۱ – ۱۳۲.

تنها ولایت و سرپرستی او را پذیرفتن و دل و سر به او سپردن:

«هیچ جایگزین و سرپرستی غیر تو نمی جویم و نمی خواهم». (۱)

او تنها سرپرست و مولای بی جایگزین است. باید نه دل که سر به او سپرد؛ که مقام امینی جز او نیست. (۲)

دعوت به آن حضرت و تبلیغ و ترویج فرهنگ مهدویت و انتظار با بیان و قلم و هنر:

با توجه به اهمیت مهدویت و روایات فراوانی که در این باره داریم و نیز روایات « احیای امر» (۳) ضرورت تبلیغ و ترویج فرهنگ مهدویت کاملاً آشکار است.

روشن است که در انجام این پیمان، وظیفه سنگینی بر دوش افراد و دولت و نهادها به ویژه حوزه ها، دانشگاه ها، مطبوعات، هنرمندان و صدا و سیما است.

دوری از گناهان و آراستگی به اخلاق نیکو:

کسی که دوست دارد از یاران قائم باشد، باید منتظر ظهور باشد و در همان حال از گناهان دوری کند و به اخلاق نیکو آراسته باشد. (۴)

پس باید هر یک از شما کارهایی را انجام دهد که وی را به محبت و دوستی ما نزدیک می نماید و از آن چه موجب ناراحتی و ناخرسندی ما می شود، دوری گزینند. (۵)

بذل جان و مال و هر آن چه که داریم در راه امام:

و آن عهد و پیمان من با توست... پس جان و مال و فرزندان و خویشان و هر

۱- مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۲- اشاره به زیارت امین اللّه.

۳- ر.ک: کافی، ج ۸، ص ۸۰ – ۸۱.

۴- غیبت نعمانی، ص ۲۰۰.

۵- احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۹. (نامه به شیخ مفید).

آن چه که پروردگارم به من داده به پیشگاهت و در راه تو و آرمان ها و فرامینت، تقدیم می کنم. (۱)

انتظار

انتظار، آماده باش و تحصیل آمادگی های لازم برای رسیدن به اهداف و خواسته های مورد نظر است. انتظار، تنها یک حالت روحی نیست، بلکه با توجه به روایاتی که آن را «افضل الاعمال» و یا «احب الاعمال» می داند، یک حالت روحی جریان یافته و شکل گرفته ای است که از معرفت برخاسته و به اقدام و عمل می انجامد که بدون این جزء اخیر حقیقت آن تحقق نمی یابد. همین است که می گوییم: انتظار، آمادگیِ آدمی در سه بُعد شناخت، عاطفه و رفتار و تحوّلی در سه حوزه وجودی او؛ بینش و گرایش و عمل است.

اقتدا

خوشا به حال کسی که قائم از اهل بیت مرا درک کند و قبل از قیامش به او اقتدا و تأ سی نماید. (۲)

امام علیه السلام الگو و مقتدای منتظران و سالکان است. باید مهدی زیست بود و از عدالت خواهی و بسط و گسترش آن گرفته تا خوراک و پوشاک و سلوک فردی و اجتماعی و جای جای زندگی به او تأ سی کرد.

زمینه سازی برای ظهور

گروهی از مشرق به پا می خیزند و زمینه ساز حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می شوند. (۳)

۱- مفاتیح، زیارت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰.

۳- منتخب الا ثر، ص ۳۷۵.

یاری و دفاع از حضرت

در فرازی از دعای عهد چنین آمده است:

«اللهم اجعلنی من انصاره » نصرت و یاری او؛

«واعوانه» اعانت و یاوری او؛

«والذّابین عنه» دفاع و حمایت از او؛

«والمسارعین الیه فی قضاء حوائجه» شتاب به سوی او در برآوردن حاجاتش؛

«والممتثلین لاوامره» اطاعت از فرامین و دستورهایش؛

«والمحامین عنه» حمایت بی دریغ از او؛

«والسابقین الی ارادته»پیشی گرفتن به خواست و اراده اش؛

«والمستشهدین بین یدیه» شهادت در پیشگاه و حضور نازنینش.

پیروی از ولی فقیه

در رخدادهای تازه، به راویان حدیث ما (فقها) رجوع کنید که ایشان حجت من بر شما و من حجت خدا بر شما هستم. (۱)

این ها و جز این ها برخی از عهدهایی است که ما با امام خود داریم؛ عهدهایی که با انجام آن ها امید است چشم ما به جمالش روشن شود و شاهد ظهور موفورالسرورش باشیم، که حضرتش در نامه به شیخ مفید فرموده است:

اگر شیعیان ما - که خداوند آن ها را به طاعت و بندگی خویش موفق بدارد - در وفای عهد و پیمانی که بر عهده دارند، همدل و متحد می شدند، سعادت دیدار ما به تأ خیر نمی افتاد و این توفیق زودتر نصیب آنان می شد. (۲)

در پایان، این هشدار قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را نیز از یاد نبریم:

۱- از توقیعات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف(غیبت طوسی، ص ۲۹۱).

۲- طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۸.

فبما نقضهم میثاقهم لعنّاهم و جعلنا قلوبهم قاسیه (۱)

به واسطه نقض پیمانشان آنها را دور نمودیم و قلبهایشان شقاوت گرفت.

اذا نقضوا العهد سلّط اللّه علیهم عدوّهم. (۲)

هر گاه مردم عهدشکنی کنند، خداوند دشمنانشان را بر آنان مسلّط گرداند.

۵. اطاعت

بـا معرفت و محبت و ولاـیت امـام، به عهـد و پیمان با او و آن گاه تبعیت و اطاعت او می رسـیم. عهـد و اطاعت، تجلی و نمود عشق و محبت است. هر چه عاشق تر، متعهدتر و مطیع تر.

امام باقر علیه السلام به جابر می فرماید:«به خدا قسم! تنها با عمل است که می توان به ولایت ما رسید».

در روایت دیگری از حضرتش سؤ ال شد: حق امام بر مردم چیست؟

حضرت فرمود: حق امام بر مردم این است که سخنش را بشنوند و اطاعت کنند. (۳)

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید:

جماعتی گمان می کنند که من امام و پیشوای آنانم؛ در حالی که به خدا سوگند، من هرگز امام آنان نیستم. خدا آنان را لعنت کند؛ آن چه من آن را مخفی کردم، افشا کردند. [درست نقطه مخالف اعمال مرا انجام می دهند]. من می گویم چه و چه، آن ها می گویند: مقصود این و این است. [گفته های مرا مطابق میل و هوای نفس خود تفسیر

۱- مائده(۵)، ۱۳.

۲- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۴۶.

۳- کافی، ج ۱، ص ۴۰۵.

می کنند.] من فقط امام و رهبر آن کسی هستم که از من اطاعت و تبعیت کند. (۱)

همین است که در روایتی «حیّ علی خیرالعمل» به ولایت اهل بیت تفسیر شده است؛ (۲) چون این چنین ولایتی به عمل منجر می شود و آن هم بهترین عمل. همین اطاعت و عمل است که رمز فرج و گشایش کارها، ظهور همه زیبایی ها و خوبی ها، عامل نصرت خدا و بهره مندی از همهِ مواهب و عنایات الهی، شرط محبوبیت در نزد خدا، دریافت امدادهای غیبی و دستیابی به بهشت لقا و حضور اوست.

اطاعت امام؛ یعنی به عهد و پیمان ها عمل کردن؛ یعنی بازخوانی و مرور مستمر و همیشگی میثاق ها و مراقبت مدام بر انجام آن ها.

اطاعت امام؛ یعنی خود را وقف امام و خواسته های او کردن «رحم اللّه عبداً حبس نفسه علینا» و همیشه و همه جا، یاور و مدافع حریم ولایت بودن و در جهت تحقق خواست ها و آرمان های او که همان خواسته های خداست، گام برداشتن.

اطاعت امام؛ یعنی زمینه ظهور او را فراهم ساختن.

اطاعت امام؛ یعنی بسط عدالت و فرهنگ عدل پذیری در جامعه و نهادینه کردن آن.

اطاعت امام؛ یعنی تلاش در جهت اصلاح خود و جامعه.

اطاعت امام؛ یعنی حاکمیت ولایت معصوم در فکر و اندیشه، عاطفه و احساس، اقدام و عمل.

اطاعت امام؛ یعنی جلوه خواست امام در جای جای زندگی از خانه و مدرسه

۱- بحارالانوار، ج ۲، ص ۸۰.

۲- همان، ج ۵۲، ص ۱۲۶.

گرفته تا کوچه و بازار.

اطاعت امام؛ یعنی برنامه ریزی راهبردی نظام در جهت انتظار و اهداف امام و قرار گرفتن همه نهادها در همین راستا از حوزه و دانشگاه گرفته تا آموزش و پرورش و ارشاد و سازمان تبلیغات و صدا و سیما و... .

اطاعت امام؛ یعنی بسیج همه امکانات و به کارگیری تمام توان جامعه برای ایجاد شور و رغبت اجتماعی به ظهور و دولت کریمه و زمینه سازی آن؛

اللهم انّا نرغب الیک فی دوله کریمه تعزّبها الاسلام و اهله و تذلّ بها النفاق و اهله و تجعلنا فیها من الدّعاه الی طاعتک والقاده الی سبیلک و ترزقنا بها کرامه الدنیا والاخره.

اللهمّ انّا نشکو الیک فقد نبیّنا صلواتک علیه و آله و غیبه وَلیّنا و کثره عدوّنا و قلّه عددنا و شدّه الفتن بنا و تظاهر الزمان علینا. (۱)

۱- مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

بیعت با امام موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

بیعت با امام موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف (۱)

روز نهم ربیع الاول، سالروز شروع امامت منجی عالم بشریت، موعود انبیا، پایان بخش طومار حاکمیت طاغوت و برقرار کننده حکومت عدل الهی در سرتاسر زمین است. از این رو مناسب است که در این زمینه، چند کلمه ای با هم به گفتگو بنشینیم.

۱. خداونـد برای انسـان، هـدفی متعالی و بلنـد مرتبه در نظر گرفته است. رسـیدن به این هـدف والا - که همان مقام قرب الهی است - فقـط در مسیر عبـودیت و بنـدگی خـدا ممکن پـذیر می باشـد: ((یـا ایتهـا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّهُ* ارْجِعِی إِلیَ رَبِّکِ رَاضِیَهً مَّرْضِیَّهً* فَادْخُلِی فِی عِبَادِی* وَ ادْخُلِی جَنَّتِی)). (۲)

۲. انسان برای رسیدن به این مقام بلنـد و هـدف برتر، نیازمنـد راهنمایی و راهبری حجت های الهی است. از این رو، خداونـد، پیشوایان آسمانی را برای دستگیری مردم در این مسیر فرستاد تا هم هدف را به آنان یادآور شوند و هم راه را در قالب شریعت و دین برای آنان معرفی و تبیین کنند. پیامبران؛ هدف را برای مردم بیان کردند: ((وَ لَقَدْ بَعَثْنا فی کُلِّ أُمَّهٍ رَسُولاً أَنِ اعْبُدُوا اللهَ وَ اجْتَنِبُوا

۱- مهدی یوسفیان.

۲- فجر (۸۹)، ۲۷-۳۰.

الطَّاغُوت؛ ما در هر امتی، رسولی برانگیختیم که خدای یکتا را بپرستید و از طاغوت اجتناب کنید)). (۱)

آنان وظیفه داشتند علاوه بر معرفی راه و هدف، آن را برای مردم، به روشنی تبیین و تفسیر کنند: ((کَما أَرْسَلْنا فیکُمْ رَسُولاً مِنْکُمْ یَتْلُوا عَلَیْکُمْ آیاتِنا وَ یُزَکِّیکُمْ وَ یُعَلِّمُکُمُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ یُعَلِّمُکُمْ ما لَمْ تَکُونُوا تَعْلَمُون؛ همان گونه (که با تغییر قبله، نعمت خود را بر شما کامل کردیم) رسولی از خودتان در میان شما فرستادیم؛ تا آیات ما را بر شما بخواند و شما را پاک کند و به شما، کتاب و حکمت بیاموزد و آنچه را نمی دانستید، به شما یاد دهد)). (۲) و به آنان بگویند که سرانجام خوش و نیک فقط در سایه اطاعت از خدا و رسول، امکان دارد:((وَ مَنْ یُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ یُدْخِلْهُ جَنَّات تَجْری مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ وَ مَنْ یَتَوَلَّ یُعَذِّبْهُ عَذاباً أَلیماً)). (۳)

۳. آخرین پیام آور آسمانی، حضرت محمد از طرف خداوند، مبعوث به رسالت شد: ((ما کانَ مُحَمَّدٌ أَبا أَحَد مِنْ رِجالِکُمْ وَ لکِنْ رَسُولَ اللهِ وَ خاتَمَ النَّبِیِّینَ وَ کانَ اللهُ بِکُلِّ شَیْء عَلیما)) (۴)و خداوند با او قرآن را نازل کرد تا راهنمای همه مردم جهان باشد: ((تَبارَکَ الَّذی نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلیَ عَبْدِهِ لِیَکُونَ لِلْعَالَمِینَ نَذِیرًا)) (۵)و آن را معجزه جاوید او قرار داد: ((لَّا یَأْتِیهِ الْبَاطِلُ مِن بَیْنِ یَدَیْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ تَنزِیلٌ مِّنْ حَکِیم حَمِید)). (۶)

۱- نحل(۱۶)،۳۶.

۲- بقره(۲)،۱۵۱.

۳- فتح(۴۸)،۱۷.

۴- احزاب(۳۳)، ۴۰.

۵- فرقان(۲۵)،۱.

۶- فصلت(۴۱)،۴۲.

۴. از تعابیر قرآنی استفاده می شود عهد امامت، غیر از مقام نبوت و بالاتر از آن بوده و به برخی از انبیا عنایت شده است: ((وَ إِذِ ابْتَلى اِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكلَمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِىّ جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِن ذُرِّيَّتي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِی الظَّالِمِين؛ (به خاطر آورید) هنگامی که خداوند، ابراهیم علیه السلام را با وسایل گوناگونی آزمود و او به خوبی از عهده این آزمایش ها برآمد، خداوند به او فرمود:من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم. ابراهیم علیه السلام عرض کرد: از دودمان من (نیز امامانی قرار بده). خداوند فرمود: پیمان من، به ستمکاران نمی رسد (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقامند))). (۱)

۵. مقام نبوت و رسالت، مقام ابلاغ وحی و معرفی راه سعادت است. انبیا و رسولان الهی فقط وظیفه داشتند تا مسیر بندگی را در قالب دین، برای مردم تبیین کنند؛ خواه مردم آن را بپذیرند و به کار ببندند، و یا رد کنند و به مخالفت بپردازند: ((قُلْ أَطيعُوا اللهَ وَ أَطيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّما عَلَيْهِ ما حُمِّلَ وَ عَلَيْكُمْ ما حُمِّلْتُمْ وَ إِنْ تُطيعُوهُ تَهْتَدُوا وَ ما عَلَى الرَّسُولِ إِلاَّ الْبَلاغُ الْمُبين؛ بگو: خدا را اطاعت کنید و از پیامبرش فرمان برید و اگر سرپیچی نمایید، پیامبر، مسئول اعمال خویش است و شما مسئول اعمال خود! امّا اگر از او اطاعت کنید، هدایت خواهید شد؛ و بر پیامبر، چیزی جز رساندن آشکار (پیام الهی) نیست)).

اما مقام امامت، مقام رهبری و راهبری و اجرای دین در زندگی مردم است؛ و این، زمانی امکان دارد که مردم، امامت و رهبری امام را بخواهند و با پذیرش حاکمیت و سرپرستی او، راه را برای برقراری امامت حجت آسمانی هموار کنند.

بنابراین، مردم در بعثت انبیا و ارسال رسولان و ابلاغ وحی، نقشی ندارند، یعنی شرط آمدن پیامبر و بیان پیام الهی، خواست و پذیرش مردم نیست؛ ولی برای

۱- بقره(۲)،۱۲۴.

تحقق رهبری حجت خدا و امامت در جامعه - که بخشی از وظایف امام است - مردم، نقش تعیین کننده دارند؛ یعنی اگر مردم نخواهند، امام نمی تواند در جامعه نقش حکومتی خود را ایفا کند.

۶. همراهی و یاری امام و پذیرش مردمی، به دو شرط اساسی وابسته است:

الف) شناخت امام هم به صورت معرفت شخص امام و هم معرفت نسبت به شخصیت و مقام و منزلت او در جهان هستی و نزد خدا؛

ب) بیعت با امام و زمینه سازی برای حضور ایشان، یعنی تعهد به این که او را یاری کنند، اوامرش را انجام دهند و برای هر گونه فداکاری در راه امام و اوامر او آماده باشند.

نگاهی گذرا به تاریخ صدر اسلام به روشنی نقش مردم را در برقراری رهبری جامعه توسط امام، نشان می دهد. عده زیادی از مردم مدینه، با آگاهی از دین اسلام، به آن گرویدند. سپس گروهی از آنان در مراسم حج شرکت کرده و در «عقبه منی» با پیامبر بیعت کرده و مراتب یاری خود را از پیامبر و فداکاری در راه او اعلام کردند. پس از آنکه آمادگی شهر مدینه را برای حضور پیامبر، به ایشان، خبر دادند، مردم مدینه با شنیدن خبر هجرت ایشان، خود را برای استقبال از آن بزرگوار آماده نمودند.

با رحلت پیامبر و کوتاهی مردم، رهبری حکومت از امام علی علیه السلام گرفته شد و ایشان، ۲۵ سال خانه نشین شدند. امام حسن علیه السلام نیز مجبور به صلح با معاویه شد و امام حسین علیه السلام در کربلا همراه یاران باوفایش به شهادت رسید. سایر امامان بزرگوار علیهم السلام نیز تحت شدیدترین فشارهای حکومت ظالم و فاسد بنی امیه و بنی عباس قرار گرفتند تا در نهایت، غیبت آخرین حجت الهی اتفاق افتاد و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیده ها پنهان شد.

اکنون که با جایگاه مردم در برقراری حکومت آشنا شدیم، مناسب است با دقت

بیشتری به فرازهایی از دعای «عهد» (۱) توجه کنیم:

«اللَّهُمَّ إِنِّی أُجَدِّدُ لَهُ فِی صَبِیحَهِ یَوْمِی هَذَا وَ مَا عِشْتُ مِنْ أَیَّامِی عَهْداً وَ عَقْداً وَ بَیْعَهً لَهُ فِی عُنُقِی لَا أَحُولُ عَنْهَا وَ لَا أَزُولُ أَبَداً؛ خداوندا! من در صبح امروز و تا زمانی که زنده ام، عهد و پیمان خود را با امام خویش تجدید می کنم، و بیعت او را به گردن می گیرم و هیچ گاه آن را از نظر دور نمی دارم و از یاد نمی برم».

این بیعت لوازمی دارد که با انجام آنها، بیعت، معنا و مفهوم پیدا می کند:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ الذَّابِّینَ عَنْهُ وَ الْمُسَارِعِینَ إِلَیْهِ فِی قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَ الْمُحَامِینَ عَنْهُ وَ السَّابِقِینَ إِلَی إِرَادَتِهِ وَ الْمُسْتَشْهَدِینَ بَیْنَ یَدَیْه؛ خداوندا! مرا از یاوران و مدافعین او و کسانی که سعی در انجام مقاصد او دارند و نیز از پشتیبان های وی و کسانی که در انجام اراده حضرتش سبقت گرفته اند و آنان که در رکابش شهید می شوند قرار ده».

با دقت در این فراز، با لوازم بیعت واقعی آشنا می شویم: یاری امام در تحقق اهدافش، دفاع از او و حریم و حرمتش، سرعت داشتن در برآوردن خواسته هایش، سبقت گرفتن از دیگران در امتثال خواسته اش، آمادگی هرگونه فداکاری تا مقام جانفشانی و نثار خون در برابرش.

روز نهم ربیع الاول که سالروز امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، این نوید را دارد که آخرین حجت الهی و مصلح عالم بشریت، به مقام امامت رسیده است؛ و اگر ما آماده پذیرش و یاری امام باشیم، پرچم عدل الهی ایشان به اهتزاز در خواهد آمد و با ظهور آن بزرگوار، حکومت در اختیار صاحبش قرار گرفته و دوران سبز زندگی انسانی برای عموم انسانها تحقق می یابد.

۱- در مفاتیح الجنان از امام صادق علیه السلام نقل شده است که هر کس آن را چهل صبح بخواند از یاران قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود.

امامتِ کودک!

امامتِ کودک! (۱)

یکی از امامانی که در کودکی به مقام امامت رسید ، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. در پاسخ به این پرسش که آیا ممکن است که یک کودک امام شود، به قرآن کریم، مراجعه می کنیم.

امامت به سن و سال نیست

در قرآن آمده است: ((وَ آتَیْنَاهُ الْحُکْمَ صَبِیًّا)؛ (۲) «و ما فرمان نبوّت (و عقل کافی) را در کودکی به او (حضرت یحیی علیه السلام دادیم!)).

صبی یعنی کودک. چون امامت کیلویی نیست، متری نیست، سنی نیست، برقی است که از غیب وصل می شود؛ ممکن است این برق به لامپ کوچکی وصل شود، ممکن است به لامپ بزرگی وصل شود؛ اما این برق هر جا که وصل شد، نور می دهد و لذا لامپ کوچکی که به آن برق وصل شود نور دارد، اما لامپ بزرگی که به آن برق وصل نشود، نور ندارد. بنابراین امامت مربوط به سن و وزن و حجم نیست.

۱- محسن قرائتی.

۲- مریم(۱۹)،۱۲.

حتماً زمانی که سوار هواپیما می شوید، دیده اید که بعد از نشستن هواپیما یک ماشین کوچک جلو می رود و این هواپیمای بزرگ، عقب این ماشین کوچک حرکت می کند. یعنی یک ماشین کوچک می شود رهبر یک هواپیمای بزرگ. یک سوئیچ کوچک، یک ماشین بزرگ را روشن می کند. بنابراین همه چیز با حجم و بزرگی، اندازه نمی شود. گاهی یک قرص کوچک شفا می دهد، اما یک دیگ ظرف بزرگ از شربت شفا نمی دهد. گاهی یک درخت کوچک پر از میوه است، گاهی یک درخت چنار قدّ منار، هیچ میوه ای ندارد. مسائل را سطحی و کیلویی نباید نگاه کرد.

بر اساس ظواهر قضاوت نکنیم!

خیلی ها می گویند: « بابا این به قد و قیافه اش نمی خورد که فلان کار خوب را کرده باشد». بسیاری از قضاوت های ما قضاوت های کیلویی است! به یک کسی گفتند بیمارستان نیروی دریایی کجاست؟ یک خورده فکر کرد و گفت بیمارستان نیروی دریایی؟ لابد کنار دریا است. چون اسم بیمارستان، نیروی دریایی است، گفت لابد جایش هم کنار دریاست!

امام جواد علیه السلام را بارها امتحان کردند، حدود سی هزار مسئله از ایشان پرسیدند، همه را بدون تأمل جواب دادند. در مجلسی، فردی از این که یک بچه به همه مسائل آگاه باشد متعجب شده بود. امام جواد علیه السلام متوجه تعجب فرد شده و بیان کردند: «اگر خدا اراده کند، این همه علم را حتی به یک پشه بدهد، می دهد».

انرژی هسته ای یعنی چه؟ گاهی وقت ها خداوند در ذراتی بسیار کوچک، انرژی قرار می دهد. خدا اراده کرده این قدرت را در یک سلول و گاهی در یک اتم قرار دهد. به هر حال امامت یعنی اراده خدا ، آیت خدا. البته خداوند، بی دلیل چیزی را به کسی نمی دهد و همه کارهای او بر اساس حکمت است.

شرایط امامت در دعای ندبه

در انتخاب امام، اسراری نهفته است، اما این که اسرار پشت پرده امامت چیست، برخی از آنها در ابتدای دعای ندبه، بیان شده و می فرماید: «شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ؛ شرط کردی بر آنان که نسبت به مقامات دنیا بی رغبت باشند». اولین شرط امامت، داشتن زهد است، یعنی دنیا طلب، دنیا پرست و دنیا گرا نباشند. بعد می فرماید: «وَعَلِمْتَ مِنْهُمُ الْوَفاءَ؛ و تو وفای آنان را به عهد و پیمان دانستی». خدا هم علم دارد که اولیایش وفا می کنند. برای همین: « فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيَّ وَالثَّنَاءَ الْجَلِيَّ؛ پس آنان را پذیرفتی و نزدیکشان گردانیدی پیشاپیش برای آنان ذکر و آ وازه بلند، ثنا و ستایش و آشکاری را مقرر نمودی».

ما در نبودمان کلید خانه را به چه کسی می دهیم؟ کلید خانه را به کسی می دهیم که یک چیزی از خانه بیرون نبرد، دزدی نکند، خانه را کثیف نکند، سوء استفاده نکند، کلید را به دیگری هم ندهد. بازاری ها به چه کسی وام می دهند؟ به چه کسی نسیه می دهند؟ به کسی که می دانند چکش برنمی گردد و اعتبار دارد.

حالا ـ آیا می توانیم بگوییم حالا ـ که به فلانی نسیه دادی به من هم بده؟ خیر. چون ممکن است یک نفر با گرفتن میلیون ها تومان فرار نکند و ظرفیت داشته باشد که آن را حفظ کند و کم کم برگرداند، اما فرد دیگری، حتی با گرفتن یک جفت کفش پا به فرار بگذارد. بنابراین ظرفیت ها مهم است:((اللهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ؛ (۱) خدا می داند که پست و مقام ها را به چه کسی بدهد)). پس پشت پرده هر اتفاقی، ماجراهایی نهفته است.

۱- أنعام(۶)، ۱۲۴.

امامت و خردسالی

امامت و خردسالی(۱)

امامت، به معنای پیشوایی، پیشروی و رهبری است. امام نیز به معنای پیشوا، پیشرو، مقتدا، (۲) قیّم، مصلح، الگو، راه اصلی و راهنما است. کسی یا چیزی که از آن پیروی شود، انسان باشد یا کتاب یا چیزی دیگر، به حق باشد یا بر باطل، امام است. (۳)

ریشه این واژه «ا مم» و به معنای قصد یا قصد با توجه خاص است. این معنا در همه مشتقات آن محفوظ است. امام نیز کسی است که همواره مقصود و هدف حرکت و تلاش دیگران قرار گیرد؛ گرچه با اختلاف موارد و قصدکنندگان و جهات و اعتبارات، گوناگون می شود؛ مانند امام جمعه و جماعت، امام هدایت و امام ضلالت.

برخی کامل ترین تعریف را ریاست بالاصاله عمومی در امر دین و دنیا در دار تکلیف می دانند که عموم مردم را به حفظ مصالح دین و دنیایشان ترغیب و از آنچه به حال آنان زیانبار است منع کنند.

۱- خدامراد سلیمیان.

۲- صحاح اللغه، ج۵، ص۱۸۶۴؛ مقاییس اللغه، ج۱، ص ۲۳؛ العین، ج۱، ص۱۰۶.

۳- المفردات، ص۲۴.

متکلمـان اسـلامی - شـیعه و اهل سـنت - امام و به دنبال آن، خلیفه را درباره کسـی به کار می برنـد که از ناحیه پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم نیابت و ریاست یافته است تا امور دینی و دنیوی مردم را بر عهده گیرد و دین و دنیای آنان را سامان داده، آباد سازد؛ از این رو بر مردم است تا از دستورات وی پیروی کنند. (۱)

شیعه، بر این بـاور است که پیـامبران چـون از جهت عمر و امکانـات محدودنـد، برای محقق سـاختن اهـداف خود به امر الهی، جانشـین خود را به مردم معرفی و مردم را به اطـاعت از آنـان سـفارش می کننـد. بر این اسـاس اگر پیـامبر خلیفه و امـام معرفی نکند، رسالتش را به انجام نرسانده است. (۲)

دیگر آن که، وجود امام در هر عصـر و زمان و در هر جامعه ای برای هدایت انسان ها به سوی کمال و برقراری نظم در جامعه ضرورت دارد.

خداوند در این باره فرمود: ((انَّما انتَ مُنذِرٌ ولِکُلّ قَومٍ هاد؛ (۳) همانا تو انذاردهنده ای و برای هر قومی هدایت گری است)).

روایـات تفسیری این آیه نیز این حقیقت را تأییـد می کنـد که امـامی زنـده تـا روز قیامت میان انسان ها حضور دارد. همچنین براساس روایاتی درباره سوره قـدر، در شب قـدر هر سال تا روز قیامت، فرشـتگان بر امام آن زمان نازل می شونـد و این سوره دلیل روشنی بر وجود امام در همه زمان ها است.

افزون بر آیات، از روایات فراوانی نیز اسـتفاده می شود که زمین، هیـچ گاه از حجت الهی تهی نخواهـد بود و هرگاه از حجت الهی تهی باشـد، اهلش را فرو خواهـد بُرد؛ به گونه ای که حتی اگر دو نفر بر روی زمین زنـدگی کنند، یکی از آنان حجت و امام خواهد بود.

۱- دائره المعارف قرآن کریم، ج ۴، ص۲۲۵.

۲- مائده(۵)، ۶۷.

۳- رعد(۱۳)، ۷.

همچنین پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام بر این عقیده اند که نام های آن پیشوایان در کلام آخرین سفیر الهی به روشنی انعکاس یافته است و آخرین آن پیشوایان نور همانا منجی موعود است که جهان را سرشار از عدالت خواهد کرد آن گونه که آکنده از ستم و بیداد شده باشد. نه فقط پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام که برخی از دانشوران اهل سنّت، در روایاتی چند به این حقیقت بزرگ اشاره کرده اند. (۱)

از این رو سال ها پیش از آن که نهم ربیع الاول سال ۲۶۰ق فرا رسد و آخرین امام از این سلسله مبارك پا به عرصه امامت بگذارد، پیشوایان معصوم علیهم السلام و به ویژه واپسین فرستاده خداوند سبحانه و تعالی، پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم امامت آخرین حجّت الهی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نوید داده بودند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

پیشوایان پس از من، دوازده نفرند؛ نخستین ایشان، علی بن ابی طالب، و آخرین آن ها قائم است. آن ها جانشینان و اوصیا و اولیای من و حجت های خداوند پس از من، بر امت من هستند. اقرار کننده به آن ها مؤمن، و انکار کننده ایشان، کافر است. (۲)

پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز به پیروی از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم همواره به سلسله امامان دوازده گانه اشاره کرده اند؛ به روشنی از دوازدهمین ایشان یاد نموده، شیعیان را از افتادن در دام انحراف و مدعیان، برحذر داشته اند. (۳)

۱- ر.ک: منتخب الاثر، الفصل الاوّل فیما یدّل علی انّ الائمه اثنا عشر...

۲- . «الْأَئِمَّهُ بَعْدِی اثْنَا عَشَرَ أَوَّلُهُمْ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ وَ آخِرُهُمُ الْقَائِمُ فَهُمْ خُلَفَائِی وَ أَوْصِیَائِی وَ أَوْلِیَائِی وَحُجَجُ اللَّهِ عَلَی أُمَّتِی بَعْدِی الْمُقِرُّ بِهِمْ مُؤْمِنٌ وَ الْمُنْكِرُ لَهُمْ كَافِرٌ»؛(من لایحضره الفقیه، ج۴، ص۱۷۹).

۳- «أَنَا وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ وَ الْأَئِمَّهُ التِّسْعَهُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ تَاسِعُهُمْ مَهْدِیُّهُمْ وَ قَائِمُهُمْ لَا یُفَارِقُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَ لَا یُفَارِقُهُمْ حَتَّی یَرِدُوا عَلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم حَوْضَهُ»؛(کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۲۴۰).

با شـهادت یازدهمین پیشوای شـیعیان در هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ ق، (۱) در حـالی که بیش از پنـج بهار (۲) از عمر آخرین ذخیره الهی سپری نشده بود، فصل بهره مندی مسـتقیم انسان ها از امام ظاهر به پایان رسـید و در پی آن، دورانی بسیار مهّم در زنـدگی پیروان اهل بیت علیهم السـلام پیش آمد. این دوران، همزمان با دو رخداد مهم آغاز شد: رسـیدن آخرین حجّت الهی به مقام امامت و دیگری قرار گرفتن آن حضرت در پرده پنهان زیستی.

یکی از دانشوران معاصر در تبیین امامت در سنین کم، چنین می گوید:

... امامی که در کودکی به پیشوایی روحی و فکری مردم رسـیده، و مسـلمانان – حتی در کشاکش آن همه موج ویرانگر – باز خویشتنِ خویش را به پیروی و دوستی او گماشتند، به طور مسلّم باید از دانش و آگاهی و گستردگی دید و دانا بودن به فقه و تفسـیر و عقایـد، بهره ای آشـکار و چشـمگیر داشـته باشد؛ چون در غیر این صورت، نمی توانست مردم را به پیروی از خویش وادارد... . بـه فرض مُحـال که مردم نتوانسـتند حقیقت و واقعیت امر را دریابنـد، دسـتگاه خلافـت و نیروی حـاکم که آن همه دشـمنی علنی با امام داشـته، چرا بر نخاسته و پرده از رخسار حقیقت نیانداخته است؟ اگر امام خردسال، از دانش و سطح تفکر عـالی برخوردار نبود، خلفای معاصـر، خیلی خوب می توانسـتند جنجال به پا کننـد؛ امّا سـکوت آن ها و سـکوت تاریـخ، گواه است که امامت در سنین کم، پدیده ای حقیقی بوده است، نه ساختگی. (۳)

۱- . کافی، ج۱، ص۵۰۳.

۲- الارشاد، ج۲، ص۳۳۹.

۳- جست و جو و گفت و گو پیرامون امام مهدی علیه السلام، ص۴۷-۴۸.

البته پیش از آن که در مسیر هدایت جامعه، نوبت به پیشوایی جانشینان آخرین فرستاده الهی برسد، خداوند سبحانه و تعالی، پیامبرانی را در کودکی به مقام نبوّت مفتخر ساخته بود(حضرت عیسی بن مریم علیها السلام (۱) و حضرت یحیی علیه السلام). (۲)

روایت ها و شواهد تاریخی فراوان، گویای آن است که پیش از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در میان امامان دوازدهگانه، نخستین پیشوایی که در سن کودکی به امامت رسید، جواد الائمه علیه السلام بود. او که نهمین پیشوای شیعیان و یگانه فرزند حضرت رضا علیه السلام، بود در روز دهم رجب سال ۱۹۵ق در مدینه چشم به جهان گشوده، در هفت سالگی به مقام امامت رسید. (۳) از آن جا که این مسأله در دوران امامت بی سابقه بود، در ابتدا برخی بدان اعتراض کردند؛ ولی رفته رفته با هدایت های امام رضا علیه السلام و کرامت هایی از خود آن حضرت، دل شیعیان آرام گرفت.

معمّر بن خلّاد گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم مطلبی درباره امر امامت بیان کرد و سپس فرمود:

«ما خاندانی هستیم که خردسالانمان مو به مو از بزرگسالان مان ارث می برند». (۴)

این روایت، به روشنی بیانگر آن است که مقام امامت، به کمی و یا زیادی سن ربطی ندارد.

ابوبصیر گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، در حالی که کودک نابالغی

۱- مریم (۱۹)، ۳۰.

۲- مریم (۱۹)، ۱۲.

۳- الارشاد، ج۲، ص۲۷۳.

۴- .«مَا حَاجَتُكُمْ إِلَى ذَلِكَ هَذَا أَبُو جَعْفَرٍ قَدْ أَجْلَسْتُهُ مَجْلِسِی وَ صَیَّرْتُهُ مَكَانِی وَ قَالَ إِنَّا أَهْلُ بَیْتٍ یَتَوَارَثُ أَصَاغِرُنَا عَنْ أَكَابِرِنَا الْقُذَّةَ بِالْقُذَّه»؛(کافی، ج۱، ص ۳۲۰، ح۲).

عصاکش من بود. حضرت به من فرمود: چگونه خواهید بود زمانی که حجت بر شما هم سال این کودک باشد؟» (۱) یا فرمود: «همسال این کودک بر شما ولایت داشته باشد». (۲)

صفوان بن یحیی گوید: به امام رضا علیه السلام گفتم: پیش از آن که خدا ابوجعفر را به شما ببخشد، درباره جانشینتان از شما می پرسیدیم و شما می فرمودید: «خدا به من پسری عنایت می کند». اکنون او را به شما عنایت کرد و چشم ما را روشن نمود. اگر خدای ناخواسته برای شما پیش آمدی پدید آید به که بگرویم؟» حضرت با دست به ابو جعفر که برابرش ایستاده بود، اشاره فرمود. عرض کردم: «قربانت شوم! این پسر، سه ساله است». فرمود:

چه مانعی دارد؟ عیسی سه ساله]کمتر[بود که به حجّت قیام کرد. (۳)

اگر چه برخی برابر این اراده از خود واکنش های نامناسبی نشان دادند، اما کم نبودند انسان های وارسته ای که برابر این خواست الهی، در کمال تواضع سر فروتنی و پذیرش فرود آورده، با خشنودی کامل آن را پذیرفتند. از جمله ایشان، علی بن جعفر بن محمد، عموی امام رضا علیه السلام بود که در کهولت سن، برابر امام جواد علیه السلام در نهایت فروتنی بر پیروی از ایشان تأکید می کرد. (۴)

از این جا بود که پیروان راستین اهل بیت علیهم السلام با این باور که مقام امامت امری فراتر از محاسبات ظاهری است در امامت امام هادی علیه السلام، با اطمینان بیشتری

۱- به نظر می رسد مقصود آن حضرت، امام جواد علیه السلام بوده است. اگر چه می تواند اشاره به امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز باشد.

۲- .«کَیْفَ أَنْتُمْ إِذَا احْتَجَّ عَلَیْکُمْ بِمِثْلِ سِنِّهِ؟، أَوْ قَالَ: سَیَلِی عَلَیْکُمْ بِمِثْلِ سِنِّهِ»؛(کافی، ج۱، حالات الأئمه علیهم السلام فی السن، ح۴).

۳- .«وَ مَا یَضُرُّهُ مِنْ ذَلِکَ فَقَدْ قَامَ عِیسَی علیه السلام بِالْحُجَّهِ وَ هُوَ ابْنُ ثَلَاثِ سِنِینَ»؛(همان، ج۱، باب الاشاره والنّص علی ابی جعفرالثانی).

۴- همان، ج۲، ص۳۲۲، ح۱۲.

آن را پذیرفتند؛ چرا که ایشان نیز در سنّ هشت سالگی به امامت رسید. (۱)

از آن جا که شرایط امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف متفاوت بود، تردیدهایی در ذهن شیعه پدید آورده، کار امام حسن عسکری علیه السلام را مشکل ساخت. آن حضرت، نه فقط در سن کمتر از دیگر امامان به امامت رسید، بلکه ولادتش نیز به خاطر مصالحی پنهانی بود و تا زمان امامت، جز اندکی، جمال دل آرای او را ندیده بودند. البته حافظه شیعه، آموزه های پیشوایان معصوم علیهم السلام پیشین را که با اقداماتی مناسب، برای این امر زمینه سازی کرده بودند (۲)، هرگز فراموش نکرده بود.

شایان ذکر است که افزون بر پیامبران و پیشوایان معصوم علیهم السلام که به تأیید الهی دارای ویژگی های خاصی هستند، بین انسان های معمولی نیز کسانی یافت می شوند که دارای نبوغ خاصی هستند که آن ها را از دیگران متمایز می کند. یکی از پژوهشگران معاصر، پس از بیان آیات و روایات، کودکان نابغه ای را مؤید رخداد فوق یاد کرده، افرادی چون ابو علی سینا، فاضل هندی، توماس یونگ، را فقط نمونه ای از این گونه انسان ها دانسته است. (۳)

برآیند سخن آن که: امامت مانند نبوّت، موهبتی الهی است که خدای متعال به بندگان برگزیده و شایسته خود بخشیده است و در این بخشش سن و سال، دخالتی ندارد؛ از این رو امر پیشوایی در کودکی، نه فقط امری بعید نیست که در طول تاریخ میان پیامبران الهی علیهم السلام سابقه ای دیرینه دارد. و کسانی که برای خرده گیری بر پیروان مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام این مطلب را دستاویز خود قرار داده اند، در بیان پیامبریِ برخی پیامبران و نبوغ برخی بزرگان دین و دانش هیچ تردیدی به خود راه نداده اند.

۱- ر.ک: الارشاد، ج۲، ص۲۹۷.

۲- غیبت نعمانی، ص۳۲۲، ح۱.

۳- دادگستر جهان، ص۱۲۳- ۱۲۴.

زمینه سازی امام حسن عسگری علیه السلامبرای غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

زمینه سازی امام حسن عسگری علیه السلامبرای غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

زمینه سازی امام حسن عسگری علیه السلامبرای غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف(۱)

به علت فشارهای روز افزون عباسیان بر امامان معصوم علیهم السلام و آزار و شکنجه آنان و نیز آماده نبودن جامعه برای پذیرش امامت امام مهدی، مشیّت الهی چنین تعلق گرفت که آخرین وصی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام، حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در غیبت فرو رود تا وجود مقدسش از گزند حوادث زمان، مصون بماند، در فرصت مناسبی به میان مردم بیایند و مردم از وجود پرفروغ آن امام بهره مند شوند.

طبیعی است که مردم و جامعه می بایست آمادگی های لازم را می داشتند تا موضوع غیبت امام را بپذیرند و دچار سردرگمی و انحراف در دین نشوند. از این رو، امام عسگری علیه السلام با انجام اقداماتی حکیمانه، در مسیر زمینه سازی و آماده کردن مردم برای پذیرش امر مهم غیبت امام دوازدهم (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) قدم های بسیار مؤثری برداشتند که در این نوشتار به آن می پردازیم.

اول. خبر دادن از غیبت

از جمله اقدامات مهم امام حسن عسگری علیه السلام در زمینه سازی غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف طرح پیشاپیش مسأله غیبت بود. ایشان در موارد متعددی، غیبت

۱- فاطمه آراسته فرد.

فرزندشان را - که جانشین پس از خودشان محسوب می شد - خبر دادند و اینگونه مردم و جامعه را برای پذیرش غیبت آماده کردند.

موسوی بغدادی نقل می کند: از امام حسن عسگری علیه السلام شنیدم که می فرمود:

گویا شما را می بینم که پس از من درباره جانشینم اختلاف می کنید. آگاه باشید که هر کس به ائمه بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اقرار کند، اما منکر فرزندم شود؛ مانند کسی است که به همه انبیای الهی و رسولانش اقرار داشته باشد، اما نبوت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را انکار کند، زیرا اطاعت از آخرین نفر ما، مانند اطاعت از اولین ماست و منکر آخرین نفر ما مانند منکر اولین ماست. آگاه باشید که برای فرزندم، غیبتی است که مردم در آن شک می کنند؛ مگر کسی که خدای تعالی وی را حفظ فرماید. (۱)

علی بن همام نیز از محمد بن عثمان عمری و او از پدرش نقل کرده است: من نزد امام عسگری علیه السلام بودم که از آن حضرت درباره خبری که از پدران بزرگوارش روایت شده است، مبنی بر این که: زمین از حجت الهی تا روز قیامت خالی نمی ماند و کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت در گذشته است، پرسیدند. ایشان فرمود: «این سخنان، حق است؛ همچنان که روز روشن، حقیقت دارد». گفتند: ای فرزند رسول خدا! حجت و امام پس از شما کیست؟ فرمود:

فرزندم محمد؛ او امام و حجت پس از من است؛ هر که بمیرد و او را نشناسد به مرگ جاهلیت درگذشته است. آگاه باشید که برای او غیبتی است که نادانان در آن سرگردان شوند، مبطلان در آن هلاک گردند و

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۱۱۹.

کسانی که برای آن، وقت، معیّن کنند، دروغ گویند. سپس خروج می کند و گویا به پرچم های سپیدی می نگرم که بر بالای سر او در نجف و کوفه در اهتزاز است. (۱)

دوم. ارتباط حداقلی با شیعیان

امام عسکری علیه السلام برای مهیا نمودن ذهنیت مردم و خصوصاً شیعه، درباره امر غیبت، شیوه نهان سازی خود را بیش از آنچه در زندگی امام هادی علیه السلام مورد توجه بود، به کار گرفت. از این رو، ایشان به جز ایامی که به دستور معتمد، برای دیدار وی از خانه بیرون می رفت و یا به جهت مصالحی که در نظر داشت، به کسی اجازه ملاقات می داد، یا خود، شخصاً به دیدار آنها می رفت، دیدار و ملاقات دیگری با مردم نداشت. (۲)

به گفته مسعودی، امام حتی برای شیعیان خود ظاهر نمی شد و از پشت پرده، با آنان سخن می گفت. (۳)

این عمل حضرت عسکری و پدر بزرگوارش، مقدمه ای برای غیبت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بود تا شیعیان با آن مأنوس شده و منکر غیبت نشوند؛ چرا که اگر غیبت امام عصر، به صورت ناگهانی رخ می داد، وضعیت بسیار سخت و غیر قابل تحمّلی برای شیعیان به وجود می آمد و چه بسا درک غیبت امام زمان، برای یاران و اصحاب خاص حضرت هم مشکل می شد تا چه رسد به مردم عادی که مدت های زیادی با امام و حجت خدا به طور مستقیم ارتباط برقرار می کردند. در آن شرایط، حتی ممکن بود در اصل وجود حضرت مهدی، نیز شبهه ایجاد شود.

۱- همان، ص۱۱۸.

۲- با خورشید سامرا، ص۲۱۴.

۳- همان، (نقل از اثبات الوصیه).

از سوی دیگر، امام عسگری علیه السلام چون در پادگان نظامی سامرا، تحت کنترل شدید حکام عباسی بودند، غالباً با شیعیان فاصله داشتند و امور و ارتباطات ایشان از طریق مکاتبات و توقیعات و وکلا بود؛ مثلًا از طریق مکاتبه به سؤالات شیعیان پاسخ می دادند؛۵ تا جایی که «محمد بن یحیی» نقل کرده که «احمد بن اسحاق قمی» از امام عسگری علیه السلام طلب دست خطی نمود تا بدان وسیله، خط حضرت را از غیر آن باز شناسد. (۱)

بنابراین، می توان ارتباط مخفیانه و پنهانی امام با شیعیان را از تمهیدات مؤثر ایشان در زمینه سازی غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دانست.

سوم. تشکیل و تقویت سازمان وکالت

اقدام دیگر امام حسن عسگری علیه السلام برای زمینه سازی غیبت، ایجاد سازمان وکالت و تقویت آن بود. این نهاد که در عصر امام صادق علیه السلام تشکیل شد با فعالیت های مختلف و با نظارت امامان معصوم علیهم السلام کار خود را آغاز کرد و به تدریج تا زمان امام حسن عسگری علیه السلام شکل منسجم نظام مندی به خود گرفت.

الف) علل تشکیل سازمان وکالت

در مورد دلایل تشکیل سازمان وکالت، می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. لزوم ارتباط بین رهبری و پیروان

در هر نظام دینی، سیاسی یا اجتماعی، ارتباط بین رهبر و اعظای آن نظام، اجتناب ناپذیر است؛ بنابر این می بایست کسی یا کسانی از سوی امامان شیعه، تعیین می شدند تا به عنوان وکلای آنها، با شیعیان ارتباط برقرار می کردند. این مسأله زمانی روشن تر می شود که به گستردگی عالم اسلامی در آن عصر و

۱- تاریخ عصر غیبت، ص۱۶۸.

پراکنـدگی شـیعیان در نقـاط مختلف، اعم از عراق، حجاز، ایران، یمن، مصـر و مغرب توجه کنیم. از آنجایی که همه شـیعیان، توانـایی مسـافرت به مـدینه و سـایر شـهرهای اقامتی امامان را نداشـتند، پس لازم بود کسانی به عنوان نماینـدگان و افراد مورد اعتماد امام، شناخته شوند. (۱)

۲. خفقان حکومت عباسی و لزوم حفظ شیعیان و مکتب توسط امام

هر چنـد وجود خفقان را نمی توان علت اصـلی تشـکیل نهاد وکالت دانست، ولی به طور قطع، این مسأله، علت تشدیـد فعالیت این نهاد و گسترش و توسعه آن بوده است. (۲)

۳. آماده سازی شیعیان برای عصر غیبت

بدون تردید، یکی از وجوه روی آوری ائمه علیهم السلام به تشکیل این نهاد، آماده سازی شیعیان برای پذیرش وضعیت جدید در عصر غیبت بود؛ عصری که شیعه در آن جز از طریق سفرا و وکلای امام، امکان ارتباط با ایشان را نداشت. با توجه به همین حقیقت بود که هرچه شـیعه به عصر غیبت نزدیک تر می شد، راه ارتباط مستقیم او با امام نیز محدودتر می گشت و در مقابل، نهـاد وکـالت نیز تقویت می شـد؛ تـا حـدی که در زمـان امـامین عسـگریین علیهما السـلام غالب ارتباطات شـیعه با این دو امام بزرگـوار، از راه مکـاتبه و یـا وکلاـ و نماینـدگان، صورت می گرفت. از این رو، می توان گفت که حـداقل در عصـر دو امـام هادی و عسگری علیهما السلام تقویت نهاد وکالت به خاطر تمهید و زمینه چینی برای ورود شیعه به عصر غیبت بوده است. (۳)

۱- تاریخ عصر غیبت، ص۱۳۹.

۲- همان، ص ۱۴۰.

۳- همان، ص۱۴۱.

ب) وظایف و شئون نهاد وکالت

۱. دریافت وجوه شرعی

از آغاز تأسیس این نهاد، وکلا موظف به جمع آوری و توزیع وجوهات شرعی بودند. به عنوان نمونه از «معلی بن خنیس» به عنوان وکیل و قیّم مالی امام صادق علیه السلام در مدینه یاد شده است که فعالیت او در جهت جمع آوری وجوهات از شیعیان، سبب سوء ظن عباسیان و سرانجام، شهادت وی شد. دریافت اموال در عصر امام عسگری علیه السلام به خاطر وجود جوّ خفقان، بدون قبضِ رسید، انجام می شد. (۱)

۲. رسیدگی به اوقاف

برای مثال، حسن محمد قطاه صیدلانی، در رسیدگی به امور وقفی در «واسط» وکالت داشت. (۲)

۳. راهنمایی و ارشاد شیعیان و مناظره با مخالفان

یکی از شئون مهم این نهاد، راهنمایی و ارشاد شیعیان به وظایف و اصول صحیح مکتب بوده است. تردیدی نیست که وقتی کسی به عنوان وکیل یک امام معصوم به اهالی یک شهر یا منطقه معرفی می شود، می بایست از نظر شناخت و آگاهی، برتر از سایر افراد باشد و از این جهت، وکلا، غالباً توسط شیعیان مورد سؤال واقع می شدند.

۴. نقش سیاسی نهاد وکالت

اهتمام حاکمیت عباسی در عصر غیبت برای شناختن اعضای نهاد وکالت، نشان از وجود نقش سیاسی این نهاد دارد.

۵. نقش ارتباطی نهاد وکالت با مردم

۱- همان، ص۱۴۲-۱۴۳.

۲- بحار الانوار، ج۵۱، ص۳۳۶؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۵۰۴.

وکلا - به عنوان رابطین امام در شهر های مختلف - به پرسش های شرعی، کلامی و اعتقادی مردم پاسخ می دادند، مکاتبات و نامه ها را به محضر امام می رساندند و پاسخ های شفاهی را دریافت می کردند. (۱)

با توجه به چنین ضرورت و کارکردی بود که امام حسن عسگری علیه السلام نمایندگان مورد اعتمادی را منصوب می نمود تا برای حل مشکلات دینی و دنیوی شیعیان، رابطه میان آن حضرت و آنان باشند و شیعیان با موضوع مراجعه به نمایندگان، مأنوس شوند. این مطلب از نامه ای که آن حضرت به «احمد بن اسحاق اشعری» نوشت و در آن، نماینده مورد اعتماد و امین خود، «عثمان بن سعید عمری» را مورد تأیید و حمایت قرار داد، بر می آید. امام عسگری علیه السلام در آن نامه فرمود:

ابوعمر، ثقه، امین و مورد اعتماد امام قبلی بوده و در زندگی و پس از مرگ من نیز مورد اعتماد من است، سخنش را بشنو و از او اطاعت کن؛ زیرا او مورد اعتماد و امین است. (۲)

امام حسن عسگری علیه السلام به جهت حفظ و نگهداری اموال مسلمانان، بیم از تباه شدن و از بین رفتن آنها و نیز برای دریافت حقوق شرعی از مردم و توزیع آنها میان نیازمندان و تهیدستان، نمایندگان و وکلایی تعیین فرموده بود تا شیعیان برای حل مشکلات شرعی و اجتماعی خود به آنها پناه ببرند. ایشان به بعضی از وکلای خود - مانند «ابراهیم بن عبده نیشابوری» - فرمان داد تا حقوق شرعی را به آن حضرت برسانند. همین طور «عثمان بن سعید عمری» را به عنوان وکیل تامّ الاختیار خود در بغداد تعیین فرمود، به مردم و همه وکلاـ دستور داد تا با او در ارتباط باشند و همه حقوق واجب الهی و دیگر وجوهی را که نزدشان است به او

۱- تاریخ عصر غیبت، ص ۱۴۶-۱۴۷.

۲- غیبت طوسی، ص۳۵۴.

تحویل دهند. (۱)

با وجود این، امام عسگری علیه السلام کارهای انجام شده توسط وکلا را زیر نظر داشتند و به هیچ عنوان از اعمال آنها غافل نبودند و بدین سان، فرهنگ باور به امام غایب و رجوع به نائبان را در میان شیعه، نهادینه فرمودند.

۱- با خورشید سامرا، ص۲۹۸.

روزی مهم، اما بی نام

روزی مهم، اما بی نام (۱)

وقتی تقویم رسـمی کشور را ورق می زنیم. خیلی از چیزهـا نـام خاصـی در تقویم داشـتند، جایگـاهی داشـتند. از بزرگداشـت بزرگان و مفاخر گرفته تا روز کتاب و جوان و سالمنـدان و معلولان و روز زن و مادر و شـیر مادر و.... . به نظر جالب می آید. روزهـای دیگری هـم داشـتیم؛ روز آب، منـابع طبیعی، روز غـذا، بهزیسـتی، روز زمیـن پـاک و درختکـاری، روز احسـان و نیکوکاری، روز حمل و نقل و ثبت احوال و ... .

مناسـبت روز نهم ربیع الاول هر چند بسـیار ویژه بود؛ اما عجیب است که گویا جایی در تقویم کشور شـیعی ما ندارد! این روز مصادف با نخستین روزِ امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف، حضـرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشـریف است. ولی نگاهی به تقویم بیندازیم؛ چندان اشاره ای بدان نشده است!

در تمـام روزهـای سـال فقـط دو روز را غیر از جمعه، متنـاسب بـا امـام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف می یابیم. یک روز همـان «روز مسـتعفان جهـان»، مصـادف بـا سـالروز ولادت آن امـام است و دیگری «روز نهم ربیع الاول»، آغازین روز امامت حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف است. برای این روز فرخنده شـما چه نامی را پیشنهاد می کنید. این نام علاوه بر اینکه در

۱- موسی جوانشیر.

خور این روز و زیبنده آن یار غایب از نظر هست، باید در معنا و مفهوم بر تلاش و تحرک مریدان آن حضرت در جهت زمینه سازی برای ظهور ایشان هم تأکید داشته باشد. در این جا چند عنوان پیشنهادی هم برای این روز مطرح می کنیم.

۱. روز عید تولد عدالت جهانی؛

۲. روز جبران اندوه شیعه در شهادت امام عسکری علیه السلام با تداوم خط امامت در ولایت مهدوی؛

۳. نهم ربیع روزی است که شیعه با امام زمان خودش بیعت مجدد می کند، بیعت نیز به معنای انتظار عملی به آنچه که امام بگوید و امام بخواهد؛

۴. روز عهد و بیعت جدید با امام زمان؛

۵. شاید بشود از قرآن الهام گرفت که عید غدیر، اکمال دین است. نهم ربیع تحقق این کمال در جامعه بشری است.بنابراین روز امامت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف یعنی روز تحقق بخشیدن به کمال دین در جامعه بشری، یا نهم ربیع روز احتضار کفار و شیاطین برگرفته از آیه: ((الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُواْ مِن دِينِكُمْ))؛ (۱)

۶. روز عید امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و عید مستضعفین جهان؛

۷. چون نهم ربیع در راستای بعثت و غدیر قرار دارد بنابراین نام دومین غدیر برای این روز مناسب است؛

۸. روز امامت بنامیم؛

۹. نهم ربیع، سرآغاز و شروع زندگی نوین و منتظرانه برای رسیدن به جامعه مطلوب الهی است؛

۱۰. روز شکرگزاری؛

۱۱. نهم ربیع، روز میثاق با امام خوبی ها است؛

۱- مائده(۵)، ۳.

۱۲. آغاز زندگی مسلمانان به رهبریت دینی امامی نوین؛

۱۳. روز بیعت، روز پیمان با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، روز یاد موعود نامگذاری شود؛

۱۴. نهم ربیع شروع آخرین فاز تحقق اهداف انبیای الهی است. یعنی این فاز آخر از نهم ربیع شروع می شود.

بخش دوم. مصاحبه ها

اشاره

نهم ربیع، جشن و بیعت؛ چرا و چگونه؟!

وقتی سخن از برگزاری جشن یا شادمانی به مناسبت آغاز امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و بیعت با ایشان می شود، برخی می پرسند: معنای این کار چیست؟ مگر در عصر امامان شیعه چنین رسمی بوده است که امامی شهید شده و روز بعد، برای امامت فرزندش شادمان باشند؟ پرسش دیگر اینکه آیا این درست است که عده ای قصد دارند با طرح جشن نهم ربیع به عنوان آغاز امامت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با برنامه های دیگر در چنین روزی مقابله کنند؟ و اصولا بیعت با امام یعنی چه و چه ثمره ای دارد؟ این ها پرسش هایی است که می خواهیم نگاه حجت الاسلام دکتر محمدصابر جعفری مدرس و مولف کتابها و مقالات تخصصی مهدوی را در این باره بدانیم:

۱. آیا شیعیان برای به امامت رسیدن امامی، جشن می گرفته اند؟

دو نوع شادمانی برای به امامت رسیدن امام داریم. یک نوع وقتی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت علی علیه السلام را به عنوان امام معرفی می کند. برای این امر، مراسم داشتیم و امامان هم بر آن و بزرگداشت آن تأکید کرده اند؛ البته جشنی متناسب با عرف زمانه خودش؛ یعنی وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت علی علیه السلام را به عنوان امام در غدیر مطرح می کنند که یک حالت عمومی دارد، این همراه خودش، جشن دارد؛

تا چنـد روز افراد به امیرالمؤمنین علیه السـلام تبریک می گفتنـد؛ حتی بعـد از این واقعه هم، وقتی کسـی خبردار می شد به آن حضـرت تبریک می گفت؛ چون پیامبر صـلی الله علیه و آله و سلم فرموده بودند که حاضران به غایبان بگویند. حاجیانی که به منـاطق خودشان برمی گشـتند و این خبر مهم را به منطقه خودشان می رساندنـد، عـده ای که تازه خبردار می شدنـد باز هم به امیرالمؤمنین علیه السلام تبریک می گفتند.

جشن گرفتن در این روز در سـیره علما هم بود است. با اینکه عیـد قربان و عید فطر از عیدهای اسـلامی است؛ اما علاوه بر این دو عید، عید غدیر را بسیار گرامی می داشتند.

امـا نوع دوم، آغـاز امـامت، بعـد از شـهادت امام قبلی است. سـیره اهل بیت علیهم السـلام در این مورد چگونه بوده است؟ اول اینکه طبیعی است که ایشان به مناسـبت شـهادت امام قبلی، محزون بوده اند. شـیعیان نزد امام جدید می آمدند و ابتدا شـهادت امـام قبلی را تسـلیت می گفتنـد و سـپس بـا امـام جدیـد بیعت می کردنـد. امـام علیه السـلام با تعابیر مختلف به اینها می گفتند خوشـحال باشید که با ما هستید و شیعیان هم خوشحال بودند که گمراه نشده اند و امام بعدی را شناخته اند و مثلاً هفت امامی نمانده اند؛ به خصوص تا زمان امام رضا علیه السـلام که سـرآغاز دوازده امامی شدنِ شـیعه است؛ یعنی ما هفت امامی و شـش امامی داریم، اما هشت امامی نداریم؛ هر کسی امام رضا علیه السلام را پذیرفته است بقیه ائمه را هم قبول کرده و دوازده امامی شده است.

البته اهل بیت علیهم السـلام در یک فضای حزنی زنـدگی می کردنـد و می فرمودنـد بنی امیه برای ما عیـد نگذاشـتند؛ بنابراین سیره آنها بیشتر به تسلیت و حزن متمایل بوده است.

در تقویم هـای ایران قـدیم، این روز به نام تاجگـذاری امام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف مطرح بوده است، ولی پس از انقلاب اسـلامی، تعبیر تاجگذاری تغییر کرد. این سـخن صـحیح نیست که کسی بگوید ما در بین علما، کسی را نداشتیم که به نهم ربیع اهتمام

بورزد!

۲. آیا این نهم ربیع را در مقابل آن نهم ربیع درآورده اند؟!

خیر. جشن و شادمانی برای آغاز امامت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف پیش از انقلاب اسلامی هم بوده است و اصلا حادثه دیگری در نهم ربیع نبوده است. خلیفه دوم در اواخر ذی الحجه از دنیا رفته است و ربطی به نهم ربیع ندارد؛ البته چون نهم ربیع به روز قتل خلیفه دوم معروف بود، بنابراین برای برخی از سالروز آغاز ولایت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف پررنگ تر بود؛ اما به این معنا نبود که آغاز امامت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مورد غفلت واقع شود؛ البته دست هایی در کار است؛ دست هایی که می خواهند وحدت را برهم بزنند؛ وگرنه کسانی که در نظامِ ما دم از وحدت زدند، از همه بیشتر تبیین گر ولایت بوده اند، مثل امام راحل صلی الله علیه و آله و سلم؛ این همه از وحدت صحبت کرد، ولی خود امام رحمه الله از همه بیشتر ولایی و مبلغ ولایت بود؛ از همه بیشتر درباره ولایت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و ائمه علیهم السلام و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام سخن گفت. مقام معظم رهبری هم از وحدت صحبت می کنند و هم در مورد جایگاه اهل بیت علیهم السلام، جایگاه برتری امیرالمؤمنین علیه السلام، جایگاه برتری اهل بیت علیهم السلام صحبت می کنند، و یا مجالس و روضه هایی که در بیت خودشان برگزار می کنند، هیچ کدام منافاتی با بحثِ وحدت ندارد؛ اما برخی از آدم هایی که دم از وحدت می زنند، فحش هم می دهند، لعن هم می کنند؛ هیچ موفقیتی در جهت ترویج و تبلیغ مکتب اهل بیت علیهم السلام و ترویج شیعه نداشته اند.

۳. بیعت چیست؟

بیعت از بیع می آید به معنای معامله و خرید و فروش؛ قرآن می فرماید: ((وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاء مَرْضَاتِ اللّهِ؛ (۱)
برخی از مردم هستند که جان

۱- بقره(۲)، ۲۰۷.

خودشـان را برای رضای خداونـد متعال می فروشـند)). و یا تعبیری که در مورد انسان وجود دارد این است: انسان در یک نوع معـامله قرار دارد، ((وَالْعَصْـرِ؛ إِنَّ الْإِنسَـانَ لَفِی خُسْـرٍ))؛ انسـان در سود و زیـان است. وقتی دنیـا مزرعه شـد، انسان دائم در حال معامله است و در سود و زیان است و دائم دارد از او کم می شود و خسر یعنی همین.

اگر انسان در معامله و سود و زیان است، دین، بیعِ او را جهت می دهـد و جهت دهی آن، بیعت با امام است. در واقع کار دین جهـت دهی بـه معاملـات انسـان اسـت؛ جهت دهی به اینکه تـو زنـدگی ات را، فکرت را، ذکرت را، وقتت را، قلمت را، عُلقه هـایت را، دغـدغه هایت را و هزینه های مالی ات را برای چه مصـرف کنی؟ اگر جهت نـدهی، خُسـر است، مثل یخی که دارد آب می شود سـرمایه هایت هم دارد نابود می شود. دین جهت می دهد که سـرمایه های وجودت را به چه کسی بفروشی. امام علی علیه السلام می فرماید:

الا ان ثمنک الجنه فلا تبیعوها الا بالجنه؛ آگاه باشید که قیمت جان شما بهشت است، پس نفروشید آن را مگر به بهشت.

تـازه این بهـای جـان شـماست و بالاتر از این روح شـماست که بهای آن، خود خـداست. پس حالا که قرار است جان ما برود، برای که و برای چه برود؟ چه بخـواهیم و چه نخواهیم این جانمـان دارد رایگـان می رود. چه خوب است که این جانمـان را به دست کسی بسپاریم که هم خوب مدیریت می کند و هم دوستمان دارد.

بیعت این ثمره را هم دارد که وقتی فهمیدی طرف حسابت امام حسـین علیه السـلام یا امام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشریف است، رفتارت، زندگی ات، برخوردت، همه به او بیشتر متمایل می شود.

۴. آیا این بیعت سابقه داشته است؟

چنانکه گفتیم، تجدید عهد و پیمان و بیعت با امام، سابقه داشته است؛ به عبارت دیگر، سیر زندگی اهل بیت علیهم السلام اینگونه بوده است که هرگاه امامی به شهادت می رسید، شیعیان نزد امام بعدی می آمدند و عرض ارادت می کردند و ضمن عرض تسلیت شهادت امام قبلی، با امام جدید هم تجدید عهد و بیعت می کردند؛ حتی امامان قبل از شهادت، برای امام بعد از خود نیز از مردم بیعت می گرفتند؛ مثلاً پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، در غدیر خم نسبت به حضرت علی علیه السلام از مردم بیعت گرفتند و فرمودند: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه»، بعد دستور دادند که همگان بر قبول ولایت و وفاداری نسبت به آن با امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت کنند، به نقل تاریخ سه شبانه روز طول کشید تا همگان توانستند با علی علیه السلام بیعت کنند؛ حتی خانم ها هم با قرار دادن دستشان در ظرف آبی با آن حضرت بیعت کردند و یا پیامبر فرمود: «سلّموا عَلی عَلیّ بأمیرالمؤمنین (بامره المؤمنین)؛ به حضرت علی به عنوان امیرالمؤمنین سلام دهید». گاهی وقت ها پیامبر یا امام، نسبت به امام بعدی، از افراد عهد و پیمان خصوصی و عمومی می گرفتند. جالب اینکه گاهی هم برای خودشان از مردم عهد و پیمان و بیعت می گرفتند؛ مثلاـ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از مسلمانان همراه خویش بیعتی گرفت که بعدها «بیعت رضوان» نامیده شد. ائمه علیهم السلام هم برای امامت خودشان از مردم بیعت مجدد می گرفتند یا متذکر بیعت گذشته می شدند. روایاتی که «انشدکم الله» دارد به این موضوع برمی گردد. حضرت علی علیه السلام چند بار متذکر بیعت می شوند؛ امام حسین علیه السلام نیز یک سال پیش از واقعه عاشورا در مِنی، یادآور بیعت می شود و وقتی امام حسین علیه السلام و حضرت علی علیه السلام از مردم می خواهند و جواب نمی دهند، آنها را نفرین می کنند. «انشدکم الله»، شما را به خدا قسم می دهم که شما نبودید که پیامبر فرمود: «اولی بکم من انفسکم»؟ چهار پنج تا از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می گویند ما پیرمرد شدیم و یادمان نمی آید که حضرت آنها را نفرین می کند. این نکته مهم است که گاهی

وقت ها امام، جامعه را به آن بیعت با خود متذکر می شود.

بنـابراین بـا نزدیـک شـدن به ایام نهم ربیع الاول، آغاز امامت یگانه منجی عالم بشـریت و سـخن از بیعت با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف؛ برای کسـی احساس غریبی پیش نیاید؛ زیرا تجدید عهد و بیعت برای جریان امامت امام علیه السـلام چیز عجیبی نیست.

بازگشت به احیای جشن امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

حجت الاسلام مصطفی صادقی، متخصص در تاریخ اسلام و تشیع، نویسنده کتاب های «شرح غم حسین»، «ترجمه مقتل خوارزمی»، «دولت مردان شیعه»، «تحلیل تاریخی نشانه های ظهور» است. کتابی دیگر با عنوان «پیامبر و یهود» از این نویسنده و محقق به چاپ رسیده که علت نگارش آن را برخوردهای پیامبر با یهود می داند. عنوان پایان نامه اش «کاشان در مسیر تشیع» و مربوط به قرن های اولیه تشیع است.

همشهری سهراب است! برای همین سعی کردیم نرم و آهسته به سراغش برویم. دفترش را در طبقه سوم پژوهشگاه پیدا کردیم و به گفت وگو نشستیم.

معمولاً رسم بر این بوده که نهم ربیع الاول را جشن بگیرند، ولی بعضی افراد به این بهانه کارهایی می کنند که در شأن شیعه نیست، با توجه به اینکه شما نویسنده مقاله «رد قتل عمر در روز ۹ ربیع» هستید، برای بررسی این موضوع به سراغتان آمدیم. درباره این مقاله و انگیزه تدوین آن توضیح دهید، آیا مقاله را منتشر هم کردید؟

متأسفانه پیش از این به مناسبت نهم ربیع، در کاشان رفتارهایی از بعضی افراد سر می زد که علاوه بر ضربه زدن به بحث وحدت بین شیعه و سنی، در شأن

شیعه هم نبود. جرقه اولیه این مقاله از یک تحقیق کلاسی شروع شد که با تشویق بعضی دوستان مصمم به پیگیری آن شدم.

انگیزه این تحقیق هم نگاه فرقه ای و نه تاریخی، به ماجرای قتل خلیفه دوم و مناسبت نهم ربیع بود. آن زمان بنا به دلایلی با چاپ چنین مطالبی موافقت نمی شد، شاید تعداد محدودی از آن به شکلی چاپ شده باشد.

پس از عنایت ویژه مقام معظم رهبری بر بحث وحدت و سخنرانی های آیت الله تسخیری(۱) ،(سیاست نظام بر حفظ وحدت و تقویت آن قرار گرفت. پس از آن، فضا برای نشر چنین مطالبی باز شد وگرنه سنتی ها نمی پذیرفتند؛ چرا که این بحث نزدیک به ۳۰۰ - ۴۰۰ سال (از صفویه به این طرف) جا افتاده بود و پذیرش آن مشکل بود.

چه نیازیست که آغاز امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را جشن بگیریم؟ اگر خوب است، چرا آغاز امامت بقیه ائمه علیهم السلام را جشن نمی گیریم؟

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف امام حاضر ماست، ما عصرِ ائمه دیگر را درک نکردیم، ولی ایشان حاضر است؛ از این رو هم ولادتش در نیمه شعبان، هم آغاز امامتش در نهم ربیع، برای ما اهمیت دارد و این جشن جزو همان روایت است که می فرماید: «شیعیان ما در ایام شادیِ ما شاد هستند».

برای اینکه جشن نهم ربیع به عنوان آغاز امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورت فراگیر برگزار شود چه باید کرد؟

درستش هم همین است؛ چرا که شهادت امام عسکری علیهما السلام هشتم ربیع است و طبیعتاً بعد از شهادت ایشان، ولایت امام زمان آغاز می شود. این جشنی است که در بین شیعه بوده است و همین هم، منشاء نهم ربیع به عنوان قتل خلیفه دوم

۱- دبیر سابق مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام.

شده است؛ چرا که زمان مرگ خلیفه دوم را از ۲۶ ذیحجه تا اول محرم گفته اند، چون وقتی مجروح شد، بعد از دو سه روز از دنیا رفت.

شیعیان چون دیدند این واقعه مصادف با ابتدای محرم و صفر است؛ و این دو ماه خیلی هم برایشان اهمیت دارد، این تاریخ را به فراموشی سپردند و بعد از محرم و صفر و بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام این برنامه را گذاشته اند.

حالا چه بهتر که به خاطر وحدت و عدم ایجاد تنش برگردیم و بر امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تأکید کنیم، البته بحث تولی و تبری لازم است، اما اگر قرار باشد ما به روش غیر اصولی جشن بگیریم، آنها هم مقابله به مثل می کنند.

ما باید برگردیم به همان سنت قدیم؛ یعنی احیای جشن امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، دست اندرکاران مهدویت هم نظرشان بر این است و الآن هم در رسانه ها ترویج می شود. این کار بسیار راحت است و خیلی هزینه نمی خواهد، چرا که زمینه آن فراهم است.

چه پیشنهادی برای دوستداران حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف در این روز دارید؟

پیشنهاد می کنم زندگی حضرت، مهدویت و غیبت را مطالعه کنند. خرافات و مطالبی که این طرف و آن طرف گفته می شود و در کتب معتبر نیامده است را رها کنند. چه در این روز و چه در نیمه شعبان، باید به سمتی برویم که امام زمانمان را بشناسیم و بتوانیم به کسانی که حتی این اعتقاد را به تمسخر می گیرند پاسخ گو باشیم.

این اعتقاد را در خود قوی کنیم و شبهه ها را پاسخ دهیم. بهتر است در کنار برگزاری جشن، کتاب های معتبر درباره ائمه علیهم السلام را بخوانیم. البته تبلیغات و شور و هیجان چه در عزاداری و چه در جشن لازم است، اما نباید فقط هیجان و شور باشد.

حدیثی در بین مردم درباره نهم ربیع شایع است که می گوید در این روز قلم از

مسلمانان برداشته می شود (رُفِع القلم) و اعمال آنها نوشته نمی شود و شاید به همین بهانه است که بعضی افراد در این روز مرتکب برخی اعمال می شوند. درباره این حدیث توضیح دهید.

حدیث جعلی و دروغین رفع القلم خلاف شرع است، در جای خودش روایت شده است، هر چیزی که با قرآن مقایسه شود و مخالف آن باشد را به دیوار بکوبید.

یک وقتی حدیث رفع القلم را برای یکی از مراجع مطرح کردم و گفتم که سند هم دارد، ایشان فرمودند: احادیث بسیاری وجود دارد که برای آنها سند جعل کرده اند.

البته من سلسله سند این حدیث را هم از سه منظر بررسی کردم. ابتدا از لحاظ منبع، یعنی کتابی که حدیث در آن آمده، دوم از لحاظ سند و سلسله راویان، سوم از لحاظ محتوا. این حدیث نه در منابع معتبر آمده، نه راویان معتبری دارد و اکثر رجالش(کسانی که آن را نقل کرده اند) شناخته شده نیستند و نه محتوای درستی دارد؛ بنابراین، روایت نه تنها سندش ضعیف است، بلکه محتوای آن هم با قرآن سازگار نیست.

علاوه بر اینها خود حدیث هم ابهام دارد و معلوم نیست که درباره کیست؟ در این حدیث به اسم عمر بن خطاب تصریح نشده است؛ بلکه نام «ابوالخطاب» آمده است که مجهول است. به خصوص که باید توجه داشت نام یکی از غالیان زمان امام صادق علیهما السلام، ابوالخطاب بوده است.

برای نهم ربیع چه پیامی دارید؟

شیعه پس از سالیانی که بر او ظلم روا شده بود، وقتی به اوج رسید، به خاطر کینه ای که از دشمنان اهل بیت داشت، سعی کرد با این برنامه مخالفت خود را اعلام کند، ولی در دوره های بعد، حتی دشمنان مشترک مسلمانان برای اختلاف

شیعه و سنی به این مراسم دامن زدند؛ حالا زمان آن است که به ترویج امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، البته به شکل صحیح، بازگردیم.

اهمیت نهم ربیع

یکی از روزهای مهم ماه ربیع الاول، روز نهم این ماه است؛ روزی که بسیاری به اشتباه تصور می کنند مناسبت این روز قتل خلیفه دوم است؛ حال آنکه مورخان، ۲۸ ذی الحجه را روز درگذشت وی می دانند. نهم ربیع الاول نخستین روز امامت و ولایت یگانه منجی عالم بشریت، حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است که پس از شهادت پدر بزرگوارشان امام حسن عسکری علیه السلام، به این مقام نائل شده اند. به مناسبت این روز مبارک، به سراغ کارشناسان عرصه مهدویت رفتیم و درباره اهمیت این روز و وظیفه ما شیعیانِ آن حضرت در این باره، گفت و گو کردیم.

۱. آغاز امامتِ امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف چه اهمیتی دارد و چرا باید این روز را جشن گرفت؟

حجت الاسلام والمسلمین مجتبی کلباسی (مدیر مرکز تخصصی مهدویت): همه انبیا و ائمه یک روزی، روز شروع و آغاز کارشان بود که به امر الهی اقدام به دعوت به سوی پروردگار کرده اند. ولی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، امام حی و زنده ما هستند و آخرین وصی و حجتِ الهی؛ بنابراین آغاز امامتشان یک تمایزی با آغاز ولایت دیگر اولیای الهی دارد، و ما با بزرگداشت این روز، توجه و وظیفه خودمان را نسبت به امر امامت آن حضرت ابراز می کنیم.

حجت الاسلام جواد محدثی (نویسنده، پژوهشگر): به همان دلیلی که باید «غدیر خم» را جشن گرفت و اهتمام ورزید و جایگاه امامت و رهبری امام معصوم را ارج نهاد، آغاز امامت هر امام نیز، شایسته تکریم است، ولی نسبت به ائمه دیگر چنین رسمی نبوده و معمولاً روز وفات یا شهادت هر امام، آغازِ امامتِ امام بعدی هم هست و در یک فرصت، هم داغ شهادت امام است، هم سرور برای امامتِ جانشین او؛ لیکن درباره حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف این مسئله اهمیت خاصی پیدا می کند، چون آن امام، هم اکنون زنده است و دوران ما، دوران امامت اوست و آن حضرت، «امام عصر» ما است و برای این که دل ها و ذهن ها توجه بیشتری به آن حضرت پیدا کند و مسئله امامت در عصر غیبت از یادها نرود و شوق انتظار در دل ها برافروخته تر شود، سالروز آغاز امامت آن حجت الهی را یاد می کنیم و جشن می گیریم؛ به خصوص با توجه به شرایط حاضر در جهان معاصر که نسبت به وجود آن حضرت، از سوی دشمنان اهل بیت، تشکیک می شود و «مهدی باوری» را زیر سؤال می برند، گرامیداشت این روز، تلاش برای ریشه دارتر کردن این باور اسلامی و شیعی در دل های اهل ایمان و منتظران ظهور آن حضرت است.

حجت الاسلام علی صدوقی (استاد و مشاور اخلاق و تربیت مهدوی): مهمترین و محوری ترین بحث نهم ربیع، آغاز ولایت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. اگر بتوانیم از نهم تا هفدهم ربیع الاول را که تولد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است، به عنوان دهه امامت و رسالت نامگذاری کنیم، کار بسیار مهمی کرده ایم؛ در این صورت بهتر می توانیم از فرصت ایجاد شده بهره ببریم. بدانیم که در این روز مأموریت اصلی، سه چیز است؛ اول، باید شناخت و معرفت به امام را در جامعه بیشتر کنیم؛ دوم، انس به آن حضرت را در جامعه افزایش دهیم؛ سوم این که وظایف و تکالیف مردم را در عصر غیبت بیان کنیم.

حجت الاسلام محمد رضا فؤادیان (معاون پژوهش بنیاد فرهنگی حضرت

مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف): درباره آغاز امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، جشن باشکوه و ویژه می گیریم، اما باید مراقب باشیم که مرتکب اعمال خلاف شرع نشویم چرا که علمای ما اصرار دارند که به مقدسات دیگر مذاهب توهین نشود و سیره اهل بیت علیهم السلام هم این گونه نبوده است که مجالسِ توهین آمیز برگزار شود. الآن هم در شبکه های ماهواره ای، گوشه هایی از برخی مراسمات غلط را برای مسلمانانِ جهان پخش می کنند و می گویند شیعیان چنین حرف هایی را درباره صحابه می زنند؛ بنابراین برای برگزاری این گونه جشن ها باید یک تجدید نظر و تدبیر خاصی انجام شود. شادی در دین جایگاه مهمی دارد، ولی امروزه تندروی هایی در این باره صورت می گیرد که قطعاً اهل بیت علیهم السلام از آن راضی نیستند.

حجت الاسلام رحیم کارگر (عضو پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی): نهم ربیع الاول آغاز امامت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نویدبخش حکومت عدل جهانی موعود و بشارت دهنده جامعه زیبای معنوی است. آرمان شهر الهی که در همه ادیان گفته شده است و همه مکاتب درباره آن صحبت کرده اند، با تولد و به امامت رسیدن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد فاز عملیاتی شده است. غیبت آن حضرت به معنای انقطاع و دور دست بودن این جامعه نیست؛ بلکه به این معنا است که بشر باید خود را آماده کند. به همین سبب، این روز را باید بسیار بزرگ بدانیم. این روز، روز شکرانه ولایت و نعمت بزرگ الهی است. بنابراین جا دارد در مساجد و محافل و نشست ها، برنامه شکرگزاری داشته باشیم؛ حتی در مسیحیت هم یک روز شکرگزاری هست. چه خوب است که روز شکرگزاری ما روز آغاز امامت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد.

حجت الاسلام محمدرضا نصوری (کارشناس مباحث مهدویت و فرقه های انحرافی): این روز را برخی به نام عید الله اکبر، غدیر دوم بیان کرده اند. در غدیر با حضرت علی علیه السلام بیعت کردند. این روز هم ما با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت می کنیم؛

در این روز به نوعی اظهار علاقه خود را نسبت به امام زمانِ خودمان داشته باشیم. آغاز امامت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را برای این جشن می گیریم که ایشان تنها امامی است که زنده بوده و الآن غایب است و ما با برگزاری مجالس جشن و شادی در هر سال با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تجدید بیعت می کنیم؛ یعنی به نوعی می خواهیم این نگاه را داشته باشیم که در دوران عدم ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و دوران غیبت کبری، امام، حاضر و ناظر بر برنامه ها و کارهای ماست.

حجت الاسلام مهدی یوسفیان (کارشناس و استاد مباحث مهدویت): برای حرکت در مسیر دین هم انسان باید متناسب با زمان خودش دین را کامل تر بشناسد و هم نیاز دارد به اینکه کسی او را راهنمایی و راهبری و دستگیری کند. امامت ادامه رسالت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم و امام جانشین او کسی است که راهبری و راهنمایی انسان را به عهده دارد و انسان را دستگیری می کند، بنابراین ما چون در زمان امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف هستیم، ایشان کسی است که راهنمایی ما را به عهده گرفته و واضح است که ما باید نسبت به ایشان توجه خاصی داشته باشیم و روز ولادت و روز آغاز امامتشان را، که سرپرستی ما را به عهده گرفته اند، گرامی بداریم. علاوه بر آن، امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف یک ویژگی دیگر دارند که سایر حجت های الهی نداشته اند و آن اینکه این بزرگوار تحقق بخش آرمان های الهی و ثمره تلاش حجت های آسمانی هستند و جهان را از آلودگی ها پاک می کند. طبیعتاً آغاز امامت ایشان یک لذت و سروری دارد که باید به صورت ویژه جشن گرفته شود.

حجت الاسلام محمد یوسفیان (کارشناس مباحث مهدویت): با آغاز امامت ایشان، علاوه بر اینکه زمین از حجت خدا خالی نخواهد بود، اهل زمین هم در امانِ حجت خدا باقی می مانند؛ همچنین استمرار دوری از مرگ جاهلی (من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته الجاهلیه) و پایان فصل بهره مندی مستقیم از امام ظاهر و آغاز بهره مندی و انتقاع از امام غایب است و با آغاز امامت امام غایب،

می توانیم اعلام کنیم بعد از هزار سال، همچنان امام زمان داریم. آیا استمرار امامت و شناخت اینکه با او بودن حیات دل است، شادی ندارد؟

حجت الاسلام سید جعفر موسوی نسب (کارشناس مباحث مهدویت و نویسنده کتاب غدیر دوم): ما در دوران غیبت کبرای امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف هستیم. طبق حدیث پیامبر که فرمودند: «هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است». همه باید امام زمان خود را بشناسند. در این دوران شناختن حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از اهم واجبات برای ما است که همه زندگی ما (اجتماع، اقتصاد و همه مباحث حول محور مهدویت) زیر مجموعه ولایت است. ما باید با برگزاری مراسم جشن و اجتماعات بزرگ به تبیین جایگاه امام در هستی و شناخت آن حضرت بپردازیم.

پیشنهادهایی برای نهم ربیع

برای رونق و ترویج نهم ربیع در جامعه چه کارویژه هایی را توصیه می کنید؟

مرحوم شیخ عباس قمی در کتاب شریف مفاتیح الجنان آورده است که روز هشتم ربیع الاولِ سال ۲۶۰ هجری قمری، شهادت حضرت عسکری علیه السلام واقع شد، و حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف به منصب جلیل امامت نایل گردید. بنابراین زیارت این دو بزرگوار در این روز بسیار مناسب است و روز نهم ربیع الاول، روز عید بزرگ است. این روز، روز برطرف شدن غم ها و روز بسیار شریفی است و چون روز هشتم [این] ماه، [روزِ] شهادت امام عسکری علیه السلام بوده و این روز [نهم ربیع الاول]، روز اول امامت حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، سبب مزید شرافتش خواهد بود.

در روایتی آمده هرکه در این روز چیزی انفاق کند، گناهانش آمرزیده می شود و گفته اند: در این روز [چند امر] مستحب است:

۱. اطعام به دوستان و ایجاد فرح و شادی در بین آنان؛

۲. پوشیدن لباس نو؛

۳. شکر و عبادت خداوند متعال؛

۴. گشاده دستی و فراوانی برای خانواده.

*

حجت الاسلام والمسلمین مجتبی کلباسی (مدیر مرکز تخصصی مهدویت): اصل مسئله مهدویت و امامت مهم است و نهم ربیع بهانه ای است برای پرداختن به این موضوع اصلی. بنابراین با شناساندن نهم ربیع و اهتمام به آن می توانیم ضمن بزرگداشت این روز، به تبیین نقش و جایگاه امام، مسئولیت و آثار معرفتِ امام بپردازیم. همچنین با ترسیم آینده ای روشن برای بشریت، نقشی را که آن حضرت در تحقق آرزوهای دیرین بشر ایفا می کند، به نمایش بگذاریم. با این رویکرد، نهم ربیع بهانه ای است برای طرح اندیشه مهدویت که جزو اندیشه های اساسی تشیّع است.

*

حجت الاسلام جواد محدثی (نویسنده و پژوهشگر): اگر فعالیت های فرهنگی مربوط به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و موضوع مهدویت، همچنان که در نیمه شعبان انجام می گیرد در این روز هم صورت بگیرد، «نهم ربیع» هم در اذهان ماندگار می شود و وسیله ای می شود برای ایجاد علقه و پیوند بین شیعیان و امام زمان.

گاهی در این روز، برنامه های سبکی به مناسبت و انگیزه دیگری صورت می گیرد که مایه تفرقه و تقابل هم می شود. بهتر است که نهم ربیع را از حیث تعلقش به حضرت حجت و آغاز امامت خجسته آن حضرت مطرح کنیم و برنامه های شاد داشته باشیم. نشر بروشورهای مناسب و پخش کتاب و جزوه های مرتبط با این موضوع نیز شایسته است.

از طرفی هم در روایات ما آمده است که هر امامی بر گردن پیروانِ خودش، عهد و میثاقی دارد. اساساً اعتقاد به امامت امام معصوم علیه السلام، همراه است با یک سلسله تعهد و پیمان و ولایت و همبستگی و میثاق. «دعای عهد» را که در دوران غیبت می خوانیم، متضمن همین «عهدنامه» با آن امام غایب است که شیعه معتقد به آن حضرت، با مولای خویش پیمان می بندد که مطیع فرمان و

مجری دستور و در خط آن حجت الهی باشد و جان بر کف و شهادت طلب، در رکاب مولایش آماده هرگونه جان نثاری باشد و هرگز با گذشت زمان و طول کشیدن دوران غیبت، این میثاق را از یاد نبرد و در عقیده به آن حضرت، سست نگردد. با این حساب، اگر در مجالس و محافلی، در چنین روزی دعای عهد خوانده شود و متنی فارسی که همین مضمون و میثاق را دارد، چاپ و تکثیر شود ضمن پخش آن، هم به صورت دسته جمعی این «میثاق نامه» را بخوانند و با مولایشان تجدید عهد کنند، هم پای آن برگه را امضا کنند و به عنوان یادبود این روز عید و میثاق، نگه دارند و هر چند وقت یک بار آن را مرور و تجدید خاطره کنند، برای ایجاد حس معنوی و روحی در ارتباط با امامتِ امام حی و زنده و معاصر و ناظر بر اعمال ما شیعیان، مؤثر خواهد بود.

*

حجت الاسلام علی صدوقی (استاد و مشاور اخلاق و تربیت مهدوی): برای رونق بخشیدن به مجالس این روز، اولین کاری که می توانیم بکنیم این است که سلسله مطالبی را برای گروه های دانشجویی و دانش آموزی که متناسب با فهم و درک آنان است مطرح کنیم، مثلاـ نسبت و رابطه ای که رسول با امام و امام با رسول دارد و رابطه ای که امام و رسول با جامعه دارند را در این مطالب روشن کنیم. چون ما الآن پیامبرشناسی و امام شناسی مان ضعیف است؛ باید در قالب های مختلف اینها را منعکس کنیم.

کار دیگری که می توانیم انجام دهیم این است که سخن گویان را تشویق کنیم که موضوع بحث آنان، بحث امامت و مهدویت باشد.

همین طور در این ایام در مدارس، یک سری میزگرد و بحث آزاد بگذاریم که دانش آموزان پرسش های مهدوی خود را مطرح کنند. مجله امان می تواند به گروه های دانش آموزی خط بدهد که آنها چه برنامه هایی را می توانند تدارک

ببینند، شورای دانش آموزی چه کارهایی می تواند انجام دهد. در قالب مقاله ای برای اولیای مدرسه و مدیران پرورشی و آموزشی مدرسه بیان کنیم که چه کار کنند. همچنین می توانیم به کانون های دانشجویی و دانشگاهی هم خط بدهیم؛ مثلاً گزارشی از یک کانون دانشجویی که سال گذشته در روز نهم ربیع کارهایی انجام داده اند را تهیه کنیم و برای دیگر کانون های دانشجویی بفرستیم.

*

حجت الاسلام رحیم کارگر (عضو پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی): برای رونق بخشیدن به این روز باید همزمان دو نوع فعالیت را در دستور کار قرار دهیم. یکی فعالیت های تبلیغی - ترویجی و دیگری فعالیت های علمی - تخصصی.

فعالیت تبلیغی - ترویجی، کار رسانه ها، مطبوعات، نشریات، صدا و سیما و حتی سینما است. اینها باید با تمام قدرت در تبلیغ این روز وارد میدان شوند و کار تبلیغاتی خود را انجام دهند. مرکز تخصصی مهدویت و سایر مراکز مهدوی، با تمام قدرت وارد این حوزه کاری شوند و دانش پژوهان و مبلغان اسلامی را به همه جای ایران بفرستند. نه تنها مراسم جشن، بلکه مراسم سخنرانی، کلاس های پربار در این روز، توسط کارشناسان مهدویت برگزار شود، همچنین بروشورهای مناسب برای این روز تهیه شود تا بدین وسیله کار ترویجی - تبلیغی صورت پذیرد.

ما برای چیزهای ساده روز تعیین می کنیم، روز بدون سیگار، روز بدون ترافیک، روز همدردی با معلولان، روز بزرگداشت فلان شاعر؛ کار خیلی خوبی هم است؛ ولی متأسفانه برای این روز که شکرانه امامت و ولایت و بشارت الهی است نامی نداریم! یک نام خوب برای این روز انتخاب کنیم تا توجه مردم را به این روز مهم جلب کنیم. در نیمه شعبان مردم به عظمت آن روز توجه دارند، ولی به روز نهم ربیع، کمتر توجه دارند؛ در صورتی که این روز زمینه خوبی برای توجه دادن مردم

به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تبلیغ معارف مهدوی است.

در این ایام، ویژه نامه هایی با عنوان «امامت» منتشر کنیم و به موضوعاتی چون جایگاه امامت، منزلت امام و نیاز مردم و جهان به امام، کارکردهای امام حاضر و کارکردهای امام غایب، بپردازیم و درباره آنها بحث کنیم.

این روز را، روز ارتباط و انس با آن حضرت قرار دهیم و نماز شکر به جا بیاوریم، برای سلامتی حضرت صدقه بدهیم؛ قرآن بخوانیم؛ بلکه این روز را روز ابراز محبت و دوستی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار دهیم، با ایشان درد دل کنیم؛ ندبه کنیم. این روز را روزی قرار دهیم که نسبت به سال های پیش، معرفت و محبت ما نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیشتر شود.

*

دکتر سید رضی موسوی گیلانی (عضو هیأت علمی پژوهشکده آینده روشن): با توجه به قابلیت رسانه ها و ابزارهای تبلیغاتی، می توان از طریق وسایل ارتباط جمعی، به ترویج و تبلیغ این روز همت گمارد و از طرفی هم با برنامه های فرهنگی از جمله برگزاری جشنواره، سخنرانی، مسابقه کتابخوانی به خصوص با محوریت پیشوایان دین، به نهادینه کردن و تثبیت آن در میان مردم اقدام ورزید.

*

حجت الاسلام مهدی یوسفیان (کارشناس و استاد مباحث مهدویت): اگر ما بخواهیم نهم ربیع را که نخستین روز امامت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است، رونق بدهیم لازمه اش این است که بحث امامت و ظهور و حاکمیت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را برای مردم به گونه ای تبیین کنیم که احساس نیاز در مردم به وجود بیاید. مردم به هر اندازه که به چیزی احساس نیاز کنند، به همان اندازه هم به آن توجه بیشتری می کنند و نسبت به آن برنامه ریزی می کنند. بنابراین باید معرفت مردم همراه با شور و نیاز مردم پررنگ شود. اگر بتوانیم بین نهم ربیع و غدیر پیوند لطیفی برقرار

کنیم؛ یعنی این نکته را تفهیم کنیم که حضور در نهم ربیع و بیعت با امام، یعنی حضور در غدیر خم و اگر بتوانیم مراسم بیعت را بازسازی کنیم، کار ارزشمند و خوبی است.

*

حجت الاسلام خدامراد سلیمیان (استاد و عضو پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی): متأسفانه فرصتی برای شناساندن روز نهم ربیعالاول دست نداده است. این روز آن طور که شایسته است برای علاقه مندان به آن حضرت تبیین نشده است، این امر می طلبد که فعالیت هایی در این زمینه انجام شود؛ اما این تبیین باید به گونهای باشد که باور علاقه مندان را تعمیق ببخشد. وقتی این اتفاق افتاد، در واقع حقیقت عیدالزهرا را تبیین کردهایم. گاهی عدهای دچار نگاه قشری و سطحی به برخی آموزهها می شوند، بعضی از کارها و رفتارهایی که انجام می دهند بر اساس آموزههای اسلام و اهل بیت علیهم السلام نیست؛ آنان از حقیقت غفلت می کنند و چرایی بعضی از رفتارهای دینی را نمیدانند؛ در برگزاری جشنهای عیدالزهرا، توجه به نکوداشت آغاز امامت امام مهدی علیه السلام میتواند افق و نگاه گستردهتری را پیش روی علاقه مندان آن حضرت قرار دهد، به عنوان مثال وقتی از آغاز امامت خرسند میشویم که در نهایت، منجر به برانداختن ستمگران شود و این توجه به اصل موضوع امامت ایشان است. اما گاه کسانی هستند که نگاهشان در برگزاری جشنهای نهم ربیع روی مسائل جزئی میرود و متأسفانه این نگاهها چندان به مصلحت شیعه و پیروان اهلبیت علیهم السلام نیست و در این گیر و دار، آن نگاه آرمانی فراموش میشود. لازم است کسانی که دغدغه دارند وارد میدان شوند، موجی رسانهای ایجاد شود و رسانههای تصویری، شنیداری و نوشتاری در این موضوع حضور جدی پیدا کنند.

*

حجت الاسلام محمد یوسفیان (کارشناس مباحث مهدویت): در این زمینه باید تمام مراکز مهدوی در سراسر کشور برنامه ای هماهنگ تنظیم و اجرا کنند؛ مثلا یک کار خوب این است که زنگ امامت همراه با صبحگاه امامت در مدارس کشور ترویج، تبلیغ و اجرایی شود.

*

حجت الاسلام سید جعفر موسوی نسب (کارشناس مباحث مهدویت و نویسنده کتاب غدیر دوم): رسانه نقش اساسی می تواند ایفا کند. به نظر من همانطور که رسانه درباره واقعه بعثت، غدیر و عاشورا به میدان می آید، باید درباره جایگاه امام در عالم هستی و جایگاه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت، وارد میدان شود. رسالت مهمی بر دوش صدا و سیما و رسانه های ماست، سخنرانان ما، مسجدهای ما، دانشگاه های ما باید در بسط و گسترش فرهنگ اهل بیت علیهم السلام در روز آغاز امامت و ولایت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف برنامه ریزی ویژه ای داشته باشند؛ همانطور که درباره عاشورا و غدیر برنامه ریزی می کنند.

*

حجت الاسلام محمدرضا فؤادیان (معاون پژوهش بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف): باید رسانه ملی و بخش های فرهنگی جامعه و رسانه های مختلف اعم از نوشتاری، صوتی و تصویری، نهم ربیع را تبلیغ کنند که برای مردم شناخته شود و اگر سخنرانان، اهل منبر و اندیشمندان، همه به عنوان یک روز ویژه برای تبلیغ مهدویت در این روز وارد میدان شوند، تأثیرگذار است و از طرف دیگر همه عزیزانی که به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف علاقه دارند، سعی کنند آن روز را مهدوی زندگی کنند. به یاد امام زمان زندگی کنند؛ اگر کسی شاعر است، با یک شعر؛ اگر نقاش است، با یک نقاشی به یاد امام زمان باشد. کسی که کارمند است، آن روز برای همکارانش شیرینی و شکلات ببرد. اگر کسی بقال است، در محلِ کسب

خود، طوری زندگی کند که مورد رضایت حجت خدا باشد و تعاملش با مشتری ها فرق کند. خلاصه امر آنکه همه کسانی که منتظر امام زمان هستند در روز نهم ربیع، به صورت ویژه زندگی کنند.

*

حجت الاسلام محمدامین بالادستیان (کارشناس و استاد مباحث مهدویت): اگر این روز را به درستی ترسیم کنیم و جایگاه این روز را در میان کل مقاطع تاریخی نه فقط به عنوان یک روز جا بیندازیم، کار بسیار مهمی انجام می گیرد. ۱۲۴۰۰۰ پیامبر آمدند و اهداف و دغدغه ها و انگیزه هایی را دنبال کردند؛ ولی به سبب فراهم نبودن زمینه ها قرار بر این شد که امام مهدی علیه السلام بیاید و اهداف آنها را محقق کند؛ پس اگر ما به مسئله این طور نگاه کنیم که این مقطع تاریخی، مقطعی است که خداوند اراده کرده که کسی را بفرستد تا هدف انبیا را محقق کند آن وقت قشنگ می شود.

ص:۷۹

بخش سوم. نوشته های ادبی

اشاره

میثاقی دوباره

میثاقی دوباره(۱)

ای خـدای عهـدهای ناگسستنی! قـدم هامـان را برای صـداقت و ثبـات، سـرپنجه هامـان را در تعهـد و وفـا و قلب هامـان را در سرشاری مدام از مهرش مدد فرما.

ای خـدای میثـاق هـای مانـدنی! اطمینـان ما را به او و یقینمان را به وثوقش بیافزای. از ما شمشـیر زنانی ساز که نه در داغ خرما پزان، نه در سوز برف ریزان و نه در پوسیدگی پاییز، ربیع با طراوتش را با هیچ متاعی معامله نکنیم.

ای خـدای قول های از یاد نرفتنی! بـد عهـدی ما را سـبب ساز شکسـتگی مان مخواه و ناسپاسـی هایمان را سـبب سوز تَرَحُّمش مکن. به ما بفهمان که نقض هر پیمانی پس از او رواست و حالی مان کن که قرار عاشقی همواره پا برجاست. ما را از مصالحه بر سر او باز دار و پایمان را گام زن کوچه اش بدار «و اقرن ثارنا بثاره». (۲)

صلی الله علیک یا عزیز!

مرا دریاب که بوران، مرا از مرصـد تصویرت دور انـداخته است و دیـده ام سوی آمدنت نمی شـناسد، تا سـیاهی خود به پایش سپید کند. مرا دریاب تا ناقوس رهاییم

۱- سعید مقدس

۲- خون ما را قرین خون او کن، (مصباح المتهجد، ص۸۴۲).

را از قیـد تو فریـاد نزنـد، تـا برای دمی آسودنت، حسـرت به دل نمـانم. مرا دریـاب که در اجتهاد طاعتت شـکست خورده ام و بگذار تکاپو از سربگیرم. مرا دریاب که پابند هرکه شدم از سرخویش بازم کرد و حالا راه برگشت را هم نمی دانم.

کوچک بودم؛ تنها قـدمی آن طرف برایم پیدا بود؛ اما تو تا عمق افق را می دیدی؛ روی زانو می نشـستی و برایم از نورسـتانت می گفتی؛ خلعت خـدمتت را در برم کردی؛ امـا وقتی راه می رفتم به خاک می کشـید و من کوتاه بودم؛ زود بود برایم انگار، اما تو می دانستی روزی قـد می کشم و آستین نصـرت، از سـرپنجه ام پیش نمی ماند و من هنوز هم کوتاهی های امروز را می بینم و نمی فهمم. اگر دلهره هـای تو نباشـد همین ردا به پایم می پیچـد و زمین می خورم. بگـذار شـکوایم بر شـمشاد نیوشایت جوانه زنـد؛ بعـد هر چه می خواهی ملامتم کن. بگذار لب برچیده ام، بغض های فروخورده را بیرون بکشد، آن وقت اگر رغبت مرا نکردی بیرونم انداز. مرا با تو سخنی هست.

اگر از رنجیـدنت امـانم می دهی؛ می گویم: حس می کنم دلت را زده ام و پـایم دارد از میهمـانیت می برد. دروغ نمی گویم؛ حالا که از زشت رویی ام بری شده ای، عتابت را لمس می کنم، می فهمم. اکنون که ماتم گرفته ای و مدام محزونی، ولی من نیز مـدعای دروغین نـدارم. نمی گویم اگر با هم از یک کوچه بگـذریم، تنها رد پای تو به جا می ماند؛ لاف وفا نزده ام؛ یقین کرده ام که هر سر تراشیده ای رسم قلندری نمی داند، هر شب گردی دل شدگی را تجربه نکرده است. من اگر سنگ تو را به سینه زده ام، اگر وقت و بی وقت عریضه برایت نوشـتم، اگر نـام تـو را از نامردمـان کتمـان کرده ام، همه از شوری است که از حقیقت مهر تو برآشفته؛ همه اش از وفور آن سر زندگی است که از نفس های عمیقم در یاس خانه ات دارم؛ نه برای از کسی جز تو حتی مرحبـایی طلبیـدن. مرا با تحویل نگرفتنت تأدیب نکن. باورکن من از روی حماقت است که خویش را به تغافل می زنم، نه از سر تمرد. به من حق بده،

کسی را در دربارت ندارم، یک سکه هم در توشه بارم نیست برای خریدن نازت. یا انیس! می ترسم از آینده ای که در هوای مه آلوده تقدیر گم شده هراس دارم. نکند مرا محکوم کنی به از دست دادنت؛ نکند نابود شوم با هبوط از نینوایت.

صلی الله علیک یا عشق!

پای برکه ات قرارمان برای وعده ای که داده ای؛ برایم عقدی از ثریا برچین تا عقدمان در نور مستور بماند. باغت اگر لاله داشت بیاور تا شمعدانش کنیم؛ آینه ای هم تا اگر نتوانستم خیره ات شوم عکست را چشم انداز تماشا کنم. برقع از روی بینداز؛ نقاب از چهره برگیر و شکوه هویدا کن. تو با سرکشی چون من، عقد اخوت نبسته ای؛ اما من روزی هزار بار بر بنوت خویش سوگند خورده ام. تو من سیاه کار و مسیئ را نمی پسندی؛ اما من همه جا را گشته ام و تو محسن را گزیده ام. بیا اکنون که سپیده از فراز شانه شب سَرَک می کشد با من سر سفره ای که با سلیقه خودم چیده ام میثاقی بدار. بیا و مرا از غُل و زنجیرها با بیعت خویش ابتیاع کن. بیا از قفایم بگیر و به مرزهای خودت بسپار. مرا با حلقه یاس که دستم می کنی متحول کن، زیر و رویم ساز. می خواهم آدم دیگری شوم. می خواهم بلندم کنی و راهم اندازی. تو همانی که من می خواهم؛ بی تا بی بدیل بی نظیر: «رضیتک یا مولای اماما و هادیاً و ولیاً و مرشداً لا ابتغی بک بدلاً». (۱)

اگر آن پیمان زرین و عهد عتیق نبود که دیروز در عالم ذر بستیم، کجای امروز خبراز جستاری عاشقانه بود؟ گفتند به ربوبیت اقرار کنم و گردن بگذارم طاعت تو را آن دم که پذیرا شدم. لؤلؤ شاهوار ولایت را پیشم به ودیعت دادند. چه نفرین شدگانند آنان که نقض میثاق کنند. به راستی عاقبتی را برایشان رقم نزده اند جز خانه هایی که از آن سعیر زبانه می کشد. وقتی عهدت می شکنند کامت تلخ

۱- مولای من راضیم به این که تو امام و هادی و ولی من و راهنمای من باشی و جایگزینی برایت نمی جویم. (مفاتیح الجنان، زیارت سرداب مطهر).

می شـود. بـا هریـک نفری که ابلیس از رکـابت می ربایـد، خیمه هـای سپیـد سـپاهت تنـگ تر می شـود. چیست دشواری این معاهده که غربال گون خبیث را از طیب تمیز می دهد؟ سـختی اش به تحمل طعنه هاست. به قناعت در غنای تو را داشـتن و از جرگه غلامـانت عزلت نگزیـدن. تهمت دیوانگی شـنیدن و سـنگ طفلاـن خوردن به خویشـتن را پای تو پیر کردن و حیات را وسـیله مواسـات تو دانسـتن ... و سـر این شدایـد را تنهـا آنانی درخواهنـد یافت که لب به لب مودّت تو تر کرده باشـند. ((إِنَّما يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبابِ الَّذينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللّهِ وَ لا يَنْقُضُونَ الْميثاقَ)). (۱)

کسـی که می اندیشـد سـتودن تو آسودگی دارد، بیایـد و از دور میثمی را بنگرد. بر چکاد دار ابتلا قصـیده وصل تو سـرودن و مثنوی وصف تو خواندن آسان نیست، خودت می دانی... .

حجر الاسود را می شـناسم؛ نخست ملکی بود که مقر به عهـد الست آمـد تا پروردگارش میان مخلوقات، امین قرار دهـد او را، بدل به سنگی ساختند ساکن در رکن بیت تا حاجیان تجدید قول و قرار نزد او امانت نهند. و ای دل غافل مباش که امین الله تو در مطاف است - همو که ثقل میثاقش در تسـلیم حجر می کنی - نگاه کن، کعبه تبرک از اسـتلام او می جویـد. دیده به خانه دوختی؛ مـات صاحبخـانه هم باش. دست سوی او فراگیر و برکبریای او تکبیر گوی و آن گاه: «امانتی ادیتها ومیثاقی تعاهـد انه لتشهد لی بالموافاه؛ (۲) امانتم را ادا کردم و میثاقم را از عهده برآمدم تا گواهی دهی به وفایم». (۳)

۱- جز ایـن نیسـت کـه صاحبـان خرد تـذکر می یابنـد، همانـان کـه بـه عهـد خـدا وفـا می کننـد و پیمـان را نمی شکسـتند. (رعد/۱۹و۲۰).

۲- جمله ای که مستحب است حجاج هنگام استلام حجر بخوانند.

۳- میثاق و سپیده، ص ۶۳- ۶۷ با تلخیص.

غروب اسارت (واپسین لحظات زندگی امام حسن عسکری علیه السلام)

غروب اسارت (واپسین لحظات زندگی امام حسن عسکری علیه السلام) (۱)

مهـدی جـان! در این واپسـین لحظات زنـد گی، چگونه آغاز تو را مرور نکنم؟ و امر امامت را بر دوش تو کودک چنـد ساله ام بگـذارم، حـال آن که لحظه پر شـکوه میلادت مقابـل چشـمانم می درخشـد. هنگام تولّـد تو، نوری از سـر و رویت به اطراف آسمان می درخشید. مرغان سفیدی از آسمان فرود می آمدند و بال های خود را بر سر و روی بدن آسمانی ات می کشیدند و پرواز می کردند. خادمان خانه با حیرت شـگفت آوری از این ماجرا سـخن می گفتند. با تبسّـمی مشـتاقانه از راز این قصه پرده برداشـتم: «آنها از فرشتگان آسمان ها بودند که در موقع ظهور این طفل، یاوران او خواهند بود. آنها آمده بودند تا به او تبرّک بجویند».

موعود من! امیـد اهل بیت! عالم اینک در انتظار تو نشسـته است. تو را مهـدی می خواننـد؛ زیرا خداونـد تو را به امر الهی خود هدایت نموده است.

آه! اینک پدر جوانت، در گوشه سامرّا سـر به بالین شهادت می گذارد. شش سال از شهادت پدرم می گذرد. در این مدت بار دشوار امامت، بر دوش من که نه، در جان من حمل می شد. معتمد عباسـی تا لحظه ای دیگر به خواسـته بزرگ خود می رسد. سال های اسارت و غم، سال های غم و تنهایی، روزهای تنهایی و سکوت

۱- محبوبه زارع.

... آه! که چه غریبانه و تلخ گذشت. پدر بیست و هشت ساله تو، راهیِ سفر شد. معتمد در امتداد جنایت های پدرش متوکّل، شربت زهرآلودی بر من خورانید که... .

فرزند امید! دل را به فردایی سپرده ام که تو در آن، حقیقت دین را افشا خواهی کرد. دنیا را با همه فرازها و نشیب هایش، با تمام پستی ها و بلندی هایش به تو می سپارم. به تو می سپارم دردهای نهفته ای را که جز در و دیوارهای اتاق کوچکم در سامرّا، به احدی تاب گفتنش را نداشتم. اسارت و سکوت حسنی باز هم در قصه من رقم خورد. اما آه بگویم که خروش و فریاد حسینی نصیب تو خواهد شد؟! چه خروشی، چه قیامی؟! تو که باید حسن بمانی و هم حسینی باشی. هم حسین کربلای خود باشی و هم زینب سفر اسارت خویش. باید هم علی خانه نشین، بمانی و هم حیدر کرّار. هم زین العابدین داغدار باشی و هم باقرالعلوم تقیّه ها و هم شکافنده دانش های درون . هم صادق آل محمد باشی و استاد علوم آسمانی، و هم موسی بن جعفر زندانی نشسته در غل و زنجیر هارون باشی و هم علی بن موسای رسوا کننده دسیسه های مأمون. هم غربت زده تنهایی های خود باشی و هم جواد الائمه محبوب همگان. هم جواد بی کس و تنها بمانی و هم هادی مظلوم بزرگ. هم هادی بزرگ باشی و هم حسنِ غمدیده اسیر... .

تو مجموعه اسرار عدالتی، مرکز اجتماع حقایق، قبله گاه جاده های عرفان. آری، آری، در یک جمله، در یک کلمه تو مهدی هستی.

پلک بر هم می نهم تا پیش از اتمام تصاویر، تو را دریابم؛ تویی که پیش از میلادت در نگاهم منزل داشتی. تو را تمام کائنات عالم، چشم به راه خواهند بود. تو را به خدایی می سپارم که قدرت آسمان ها و زمین به دست اوست.

زهر معتمد در شربت گوارایی حل شد و شربت او در خون من، در جگرم، ولی به این می اندیشم که چگونه معتمدهای تاریخ، زهر غربت را در جان خسته تو می ریزند و شیعیان منتظر در تلخی این زهر، سالیان سال به استغاثه و فریاد بر

می خیزند.

آه! روزگـار عجیـبی است؛ مهـدی جـان! به کجـا می تـوان پنـاه برد؟ بـا چه کسـی می شـود دردل دل گفت؟ عاشـقان خود را دریاب! شیعیان منتظر را یاری کن! (۱)

۱- برگرفته از کتاب این سند خورشید است.

آخرین نشانه

آخرین نشانه (۱)

ابوالادیان صدایش می زدند. خدمتکار امام حسن عسکری علیه السلام بود و نامه های او را به شهرها می برد. در آن مدتی که امام بیمار شده بود، او هم مثل دیگران نگران و غمگین بود.

آن روز حضرت صدایش کرد و نامه هایی را که برای بعضی از شیعیان شهرهای دیگر نوشته بود، به دستش داد و فرمود: «اینها را به دست صاحبانشان برسان. پانزده روز دیگر این جایی و وقتی نزدیک خانه شدی، صدای گریه و شیون از خانه ام خواهی شنید و می بینی که پیکر مرا برای غسل و کفن می برند».

ابوالادیان غمگین شد. بار دیگر به یاد موضوع جانشینِ امام افتاد. پرسید: «آقای من! اگر این اتفاق غم بار رخ می دهد، پس برایمان بگویید که امام بعد از شما کیست؟»

امام سر بلند کرد، فرمود: «تو کار خود را انجام بده! هر کس در بازگشت، پاسخ نامه ها را از تو خواست، او جانشین واقعی من است».

ابوالادیان نشانه های بیشتری خواست. امام فرمود: «نشانه دیگر اینکه هر که بر پیکر من نماز خواند، او امام بر حق است و هر که «همیان» یا بسته خاصی را -

---

۱- حمیده رضایی.

که از جایی خواهد رسید – خواست، او جانشین من است».

ابوالادیان سکوت کرد و رفت تا آماده سفر شود. با خود فکر می کرد که چه خواهد شد؟ یعنی دوازدهمین امام کیست؟

پیش از خروج از خانه، نامه ها را در میان پیراهن خود پنهان کرد و از منزل امام خارج شد. همه می دانستند که اطراف خانه پر از جاسوسان خلیفه است. اگرچه معتمد عباسی چهار سال پیش، دارالخلافه (مرکز خلافت) را از سامرا به بغداد منتقل کرده بود، اما مأمورانش شبانه روز خانه امام را زیر نظر داشتند و مراقب رفت و آمدها بودند.

***

پانزدهمین روز سفر بود که ابوالادیان به سامرا بازگشت. هنوز طنین حرف های امام حسن عسکری علیه السلام در گوشش زنگ می زد.

به خانه امام نزدیک شد. صدای شیون از دور به گوش می رسید. غم بزرگی در دلش نشست. آری، امام از دنیا رفته بود، ولی راستی حالا امام بعد از او که بود؟

جمعیت جلو در خانه امام موج می زد. ابوالادیان جلوتر رفت. جعفر، برادر امام را دید که همراه گروهی جلوی در خانه ایستاده و عده ای شهادت امام را به او تسلیت و عده ای جانشینی و امامتش را تبریک می گویند. ابوالادیان و عده ای از شیعیان خاص امام ماتشان برده بود. آخر همه اهل سامرا، جعفر را می شناختند. او نمی توانست دوازدهمین امامِ شیعیان باشد. او به «جعفر کذاب» معروف بود. فرزند امام هادی علیه السلام و برادر امام حسن عسکری علیه السلام بود، ولی سرگذشتش مانند پسر نوح بود که به خاطر هم نشینی و دوستی با افراد گناه کار و ناصالح، از عصمت خاندانش دور شده بود. امام حسن عسکری علیه السلام هرگز او را محرم اسرار خود نمی دانست. تا جایی که از تولد فرزندش مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به او چیزی نگفته بود و تنها عده ای از شیعیانِ مورد اعتماد از این موضوع باخبر بودند.

ابوالادیـان، به یـاد نشانه های امام افتاد. به جعفر نزدیک شـد. مثل دیگران تبریک و تسـلیت گفت، ولی حرفی نشـنید. جعفر نه چیزی از او خواست و نه پرسشی کرد.

حالا دیگر مطمئن بود که او امام دوازدهم نیست. پس چرا برای نماز بر پیکر امام عسـکری علیه السـلام آماده شده؟! مگر خود امام نفرموده بود که هر که بر پیکرم نماز بخواند، امام بر حق است؟!

ابوالادیان نمی دانست چه کند. ایستاده بود و با حیرت به جعفر نگاه می کرد. جعفر در حالی که با عده ای از جاسوسان خلیفه می آمـد، وارد صـحن خـانه امـام شـد و عـده ای از شـیعیان هم در پیش بودنـد. صف نماز تشـکیل شـد و همه چیز آماده بود. ناگهـان کودکی از درون خانه بیرون آمـد که نورش مثل ماه همه جا را روشن کرد. سـرها همه به طرف او برگشت. راستی او که بود؟

کودک که صورتی گندمگون، موهایی به هم پیچیده و دندانهایی گشاده داشت به سـمت جعفر رفت و با شـجاعت و شـهامت ردای او را گرفته و به عقب کشـید و گفت: «عمو! عقب برو! من بایـد بر پیکر پـاک پـدرم نماز بگـذارم نه تو، چون من بر این کار از همه شایسته ترم».

جعفر که رنگ از رویش پریـده بود، بی اختیار عقب نشـینی کرد و کودک نورانی جلو آمـد و بر پیکر امام نماز خواند و او را در کنار مرقد امام هادی علیه السلام به خاک سپرد.

حالا شادی و غم، هر دو در دل ابوالادیان موج می زد. آری! ابوالادیان آن کودک را می شـناخت، او «مهدی» فرزند کوچک امام حسن عسـکری علیه السـلام و امام دوازدهم شیعیان بود. این نخستین نشانه بود که از او می دید، حتماً نشانه های دیگر هم درست خواهد بود. باید منتظر می ماند.

بعد از نماز، کودک پاسخِ نامه ها را هم از ابوالادیان خواسته بود و حالا فقط یک نشانه دیگر مانده بود، آخرین نشانه!

از خانه بیرون آمد. جعفر با چهره ای برافروخته همراه عده ای بیرون خانه امام ایستاده بود. کسی پرسید: «جعفر! آن طفل را شناختی؟»

- به خدا که تا به حال نه او را دیده و نه می شناسم!

همان وقت کاروانی از قم رسید. آنان احوال امام را جویا شدند. ولی با شنیدن خبر رحلت او گریستند. پرسیدند: «حالا امام بعد از او کیست؟»

گروهی جعفر را نشان دادند. کاروانیان جلو آمدند و به او تبریک و تسلیت گفتند. آنان خطاب به جعفر گفتند: «نامهها و اموالی همراه ماست، بگو نامه ها از کیست و مالها چه مقدار است تا آنها را به تو تحویل دهیم؟!»

جعفر عصبانی شده و از جا بلند شد. خاک لباسش را تکاند و گفت: «شما می خواهید من از غیب خبر بدهم؟»

همین وقت بود که خدمتگزاری از خانه امام بیرون آمد و پاسخِ پرسش آنها را داد. کاروانیان خوشحال شده و گفتند: «همان وجود گران مایه ای که تو را به سوی ما فرستاده، امام ماست».

ابوالادیان حالا خوشحال تر از همیشه بود. آری، آخرین نشانه هم درست بود و آن کودکِ نورانی، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، دوازدهمین امام شیعیان بود.

سلیل خاتون

سلیل خاتون (۱)

تاریخ تشیع، کسانی را در حافظه دارد که مانند ستاره در افق روزگار می درخشند، هر چند نامشان سر زبان ها نباشد. «سلیل»، مادر امام حسن عسکری علیه السلام یکی از آن ستارگان درخشان است. ایشان در زمان شهادت فرزندش امام حسن عسکری علیه السلام، در هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری قمری در شهر مدینه بودند و به محض شنیدن خبر شهادت فرزندش، به سامرا می رود و در محکمه با نشان دادن وصیت نامه امام عسکری علیه السلام، اموال امام را از جعفر کذاب پس می گیرد؛ زیرا امام حسن عسکری علیه السلام در وصیت نامه ای که به مادرش نوشته بود، او را وصی خود اعلام کرده بود. با این کار، وصی بودن جعفر منتفی شد و دربار عباسی از رسیدن به آرزوی خود باز ماند؛ چون آنها ردای امامت را به تن جعفر پوشانده بودند و مردم، به خصوص شیعیان، از این انتخاب متحیر بودند. سلیل خاتون - که در نزد شیعیان به جده معروف بود - مردم را از اطرافِ جعفر پراکنده کرد و روایات رسیده از اهل بیت درباره امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را به مردم باز گفت. شاید بتوان گفت این بانوی شجاع، اولین کسی بود که مبشر آغاز امامت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف در نهم ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری قمری بود.

۱- رقیه ندیری.

روزشمار ربیع؛ از شهادت تا بیعت

ماههای آغازین سال ۲۶۰ هجری

دستگاه خلافت و جعفر

۱. دستگاه خلافت عباسی به شدت امام را زیر نظر دارد. آنها به دلیل نفوذ و شایستگی امام علیه السلام و ترس از ولادت آخرین وصی نقش های شومی می کشند.

۲. جعفر، برادر امام عسکری علیه السلام است که همانند پسر نوح منحرف شده است.

منزل امام عسکری علیه السلام

۱. امام حسن عسکری علیه السلام شش سال در محاصره شدید در سامرا به سر برده، ولی حکایت خوبی های ایشان، روز به روز در سطح جامعه، رو به گسترش است.

۲. شیعیان در شدیدترین فشارها هستند و تنها رابطه آنها با امام علیه السلام از طریق عثمان بن سعید است که با شیوه های خاصی صورت می گیرد.

۳. امام علیه السلام پانزده روز قبل از شهادت، خدمتکارش، ابوالادیان را باخبر می کند و او را برای مأموریتی می فرستد.

اول ربیع الاول

منزل امام عسکری علیه السلام

معتمد، خلیفه عباسی، امام علیه السلام را مسموم می کند. امام علیه السلام بیمار و بستری می شود.

سوم ربیع الاول

دستگاه خلافت و جعفر

۱. پزشکان ویژه دربار از نجات یافتن امام علیه السلام اظهار نومیدی می کنند.

۲. خلیفه دستور می دهد، پزشکان همچنان در منزل امام بمانند. ده نفر قاضی تحقیق هم با آنها همراه می شوند تا امام علیه السلام را زیر نظر بگیرند.

منزل امام عسکری علیه السلام

۱. خبر بیماری حضرت در شهر می پیچد و موجب اندوه شیعیان می شود.

۲. شیعیان حتی در روز های آخر هم نمی توانند امام خود را ببینند و درباره جانشین او، اطلاعات کامل تری به دست آورند.

هفتم ربیع الاول

دستگاه خلافت و جعفر

۱. فزونی یافتن حضور مأموران و جاسوسان دربار در منزل و اطراف آن.

۲. جعفر که شهادت برادر را نزدیک می بیند، با تشویق دستگاه خلافت، خود را جانشین امام عسکری علیه السلام معرفی می کند و همراه دوستانش به منزل امام می آید .

منزل امام عسکری علیه السلام

وخیم شدن حال امام علیه السلام.

شدت اندوه شیعیان شهر.

راه یافتن عثمان بن سعید، بزرگ شیعیان شهر، به منزل امام علیه السلام.

نیمه شب هشتم (سحرگاه)

منزل امام عسکری علیه السلام

۱. حال امام علیه السلام وخیم می شود و در آخرین لحظات می خواهد فرزند پنج ساله اش را ببیند.

۲. فرزند دور از چشم جاسوسان بر بالین پدر آمده و ظرف آب را به پدر می دهد. سپس برای وضو گرفتن به او کمک می کند.

۳. امام عسکری علیه السلام پس از خواندن نماز صبح، آخرین وصیت ها را به فرزند خود می گوید و آن گاه در آغوش فرزندش جان به جان آفرین می سپارد.

صبح روز هشتم ربیع الاول

دستگاه خلافت و جعفر

۱. مأموران دربار، پزشکان، قضات وجاسوس ها پس از شهادت امام سه مأموریت بر عهده دارند:

الف) انجام سوگواری نمایشی؛

ب) پراکندن شایعه مرگ طبیعی؛

ج) جستجو برای یافتن فرزند احتمالی امام.

۲. جعفر سعی می کند با کمک اطرافیان، خود را تنها وارث برادر و بزرگ شیعه و شایسته امامت معرفی کند! بنابراین، خود را آماده برگزاری مراسم نماز می کند.

منزل امام عسکری علیه السلام

۱. بانگ شیون در منزل امام علیه السلام ، نشانه شهادت اوست.

۲. شیعیان با شنیدن خبر، بی توجه به خفقان و حضور گسترده مأموران خلیفه، به منزل امام علیه السلام سرازیر می شوند.

۳. شیعیان، منتظر مراسم اقامه نماز بر پیکر امام علیه السلام هستند؛ چرا که می دانند جز امام معصوم کسی بر امام علیه السلام نماز نخواهند گزارد.

ظهر روز هشتم

دستگاه خلافت و جعفر

۱. خلیفه و درباریان ،برای تشییع پیکر امام می آیند و همراه انبوه مردم شهر و سربازان بیرون منزل امام علیه السلام منتظر می مانند.

۲. دستگاه خلافت از اینکه امام عسکری علیه السلام فرزندی ندارد، شادمان است و خیال می کند سلسله امامت شیعه به پایان رسیده و ....

۳. جعفر که ظاهری غمگین دارد ، با غرور به سمت جنازه می رود. رو به قبله می ایستد و دست ها را بالا می برد تا تکبیر نماز را بگوید، ولی ناگهان کودکی گندم گون و زیبا او را کنار می زند. جعفر وحشت زده عقب می رود. کودک با چشمان اشکبار نماز می خواند و ...

۴. جعفر در اجرای نقشه هایش ناکام می ماند و خانه برادر را ترک می کند.

منزل امام عسکری علیه السلام

۱. پیکر امام علیه السلام، پس از غسل و کفن، به حیاط منزل آورده می شود و برای اقامه نماز رو به قبله گذاشته

می شود .

۲. در منزل امام علیه السلام جز اهل خانه و ابوالادیان، کسی نمانده است.

۳. کاروانی از بزرگان قم برای دیدار با امام عسکری علیه السلام به سامرا آمده که همراهشان نامه و کیسه های طلاست.

۴. آنها ناامید در حال دورشدن از شهر هستند که غلامی آنها را دوباره به منزل امام عسکری علیه السلام دعوت می کند. غلام، آنها را به اتاق می برد. ابوالادیان با شگفتی همراهشان می رود. در آنجا با کودکی نورانی روبرو می شوند. آنها احترام می گذارند و کودک پس از احوال پرسی، از نامه ها و کیسه ها می گوید.

قمی ها شادمان و شگفت زده، سر به سجده گذاشته و خداوند را شکر می کنند و پس از شناخت امام خود، با ایشان پیمان می بندند.

عصر روز هشتم

منزل امام عسکری علیه السلام

۱. در منزل، جاسوس های خلیفه و شیعیان عزادار حضور دارند.

۲. ابوالادیان در صدد شناخت آخرین امام است. آن هم به وسیله نشانه هایی که از امام عسکری علیه السلام فرا گرفته است.

۳. جعفر سعی دارد، به نام امام آنها را فریب دهد، ولی آنها که اهل حدیث و دانش هستند، او را امتحان می کنند و جعفر رسوا می شود.

و چنین شد که :

هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری، امام عسکری علیه السلام به شهات رسید و فرزندش، امام مهدی علیه السلام، جانشین ایشان شد. اولین بیعت گران افتخارآمیز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ، مردانی از شهر قم و مناطق غربی ایران بودند؛ وارثانِ سلمان فارسی، نزدیک ترین یاور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام بودند؛ باشد که زمینه سازان ظهور حضرتش هم باشند.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹